

نامه  
**مردم**  
ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۱  
شنبه ۱۴ فروردینماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

# امام خمینی: همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما، آمریکا کنید

این نیرنگ جدید کارتر شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت نتگینش زد.

ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانت کار به تنگ آمده بودند. اکنون مواجه با تحمل ننگ بزرگتری شده اند که با دسیسه و توطئه شیطان بزرگ بر آنان تحمیل شده است. صفحه ۲

برملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و با وحدت کلمه دشمن را بکوبند.

# ندای وحدت امام را همه باید به گوش جان بشنوند

پیام امام خمینی بمناسبت روز جمهوری اسلامی، باردیگر وخشور و بشارتگر وحدت خلق و اتحاد نیروهای انقلابیست هوایی تازه است برای جانهای بیزار از آوای نادلپذیر تفرقه افکنی ها و انحصارطلبی ها.

در نمایه پیام، ندای وحدت و برهیز از پراکنندگی، بویژه در بقیه در صفحه ۲

## مردم سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را زیر شعار وحدت ضدامپریالیستی برگزار کردند



مردم تهران، در مراسم برگزاری روز جمهوری اسلامی ایران، این سخنان هشداردهنده امام را بر پلاکاردها حمل میکردند: اگر قوای ما از هم منفصل شوند، بفتح آمریکاست.

با این امید که در سال نو توطئه های ضد انقلابی بطور قطع سرکوب شود، انقلاب گامهای اساسی در راه تثبیت و تحکیم خود بردارد و ثمرات انقلاب در بازسازی و توسعه اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم آشکار گردد.

در زمینه سیاست داخلی و خارجی مطرح کرد. (ما به بررسی جداگانه نطق آقای بنی صدر خواهیم پرداخت - نامه مردم) مردم ایران برگزاری سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را پایان رسانند،

همه را دعوت به وحدت کلمه برای در هم کوبیدن دشمن اصلی ما، امپریالیسم آمریکا، میکند، با شور و شوق استقبال کردند. آقای بنی صدر، رئیس جمهوری اسلامی ایران نیز طی نطقی مسائل مختلفی را

و جمهوری اسلامی ایران و پیکار برضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، اعلام داشتند. در تهران، مردم در میدان آزادی از پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران، که

روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۹، مردم ایران در سراسر کشور سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را برگزار کردند. مردم در شعارها و پلاکاردهای خود بار دیگر عزم راسخ خود را برای ادامه مبارزه در راه استقلال، آزادی

## نورالدین کیانوری حزب توده ایران ود کتر مصدق

## درخواست از دادستان کل کشور به وضع مالی حزب توده ایران رسیدگی کنید

روزنامه جمهوری اسلامی، که در برابر مقاله مستبد «نامه مردم» زیر عنوان «... و امریکائیها نمی آیند!» در پاسخ فحشنامه این روزنامه زیر عنوان «توده ایها می آیند...» بازم جردنشان و افرا پاسخی نداده و نمیتوانسته است بدهد، در شماره ۱۱ فروردین ماه خود افترای «تازه ای را بصورت سؤال مطرح کرده است، بشرح زیر: «شما که اینچه دم از کارگران و کشاورزان میزنید، بودجه این تشکیلات عریض و طویل را از کجا تامین میکنید؟ از عنایات طبقه بورژوا و خرده بورژوا؟ از شکم گرسنه کارگران و کشاورزان؟ دوست بر عطفوت و یا از کیسه گشاد ارباب؟ کدامیک؟»

حزب توده ایران بدینوسیله از دادستان کل کشور میخواهد که به وضع مالی حزب توده ایران رسیدگی کند تا برای همیشه مشت افترزان در برابر مردم ایران باز شود.

حزب توده ایران ضمن این درخواست، بعلت افترای فوق از طرف روزنامه جمهوری اسلامی، ماده جدیدی را بر اعلام جرم خود علیه روزنامه جمهوری اسلامی می افزاید و خواهان رسیدگی فوری به این اعلام جرم از جانب دادستانی کل کشور است.

## پیام کارتر به امام - بازی سیاسی که شکست خورد

امپریالیسم آمریکا را دیگر بعنوان دشمن اصلی، هدف مبارزه قرار نمیدهند. این وضع امید فراوانی برای دستگاه دولتی آمریکا برانگیخت و بهمان نسبت خنجر برای پیروزی نهایی انقلاب و استقلال ایران فراهم ساخت.

پیام امام آن امید را قطع کرد و این خطر را بار دیگر تکرار کرد: «دشمن اصلی ما آمریکا است!»

امام انجام گرفت و مع «شیطان بزرگ» را در برابر مردم هشدار ما باز کرد، با افشای مضمون و هدف این پیام کذابی توسط امام خشی شد.

ولی لحظه ای نباید فراموش کرد که این «نیرنگ شیطانی» که این بار در قالب پیام کارتر عرضه شد، با امید به موفقیت تدوین شده بود و این امید از آن جانشی شد که دستگاه دولتی آمریکا احساس کرد که محافل معینی در ایران،

بنا به تصریح امام - «برای هیچیک چیزی باقی نخواهد ماند»، نه برای خلق مستبدین و غارت شده ها، نه برای نیروهای راستین انقلابی و نیز این را باید موعداً گفت - نه برای آن گروهها و سیاستمدارانی که تصور میکنند، گر که درنده آمریکا را میتوان به میش بی آزاری بدل ساخت.

بازی سیاسی و «نیرنگ شیطانی» آمریکای سلطه جو، با انتشار پیام کذابی کارتر، که برنام

ماه است - اتخاذ گردد. امام تصریح کرده است که پیام کارتر «یک نقشه سیاسی و یک نیرنگ شیطانی» است.

این نیرنگ جدید کارتر - بنا به ارزیابی دقیق امام - «شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت نتگینش زد و در مقابل ملت و روحانیون به چاپلوسی و حیلگری پرداخت و دسیسه او نقش بر آب شد.»

انتظار میرفت که آقای بنی صدر، در نطق مفصلی که بمناسبت سالروز بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران ایراد داشت به ارزیابی مضمون و سمتگیری سیاسی پیام کارتر به امام میپرداخت، متأسفانه چنین نشد.

این ارزیابی از سوی آقای رئیس جمهور هم لازم بود و هم آسان. لازم بود، برای اینکه مردم بدانند که رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب و باطالع وزارت خارجه نیز نیرنگ آمریکای حیلگر و چناینگار را «پیروزی» نمیدانند و مشی سیاسی اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران، ادامه مبارزه با آمریکا در جهت قطع وابستگی از این امپریالیسم جهان فتنسوار و تأمین و تضمین استقلال تام و تمام ایران در تمام عرصه ها و شئون زندگی است. آسان بود، برای اینکه ارزیابی مضمون و هدف پیام کذابی کارتر، قبل از نطق آقای رئیس جمهور، از طرف امام، در پیامی که رهبر انقلاب بمناسبت سالروز بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران خطاب به مردم ایران فرستادند، انجام گرفته بود. این ارزیابی مشخص است و تمیین کننده مشی که باید در برابر آمریکا - که به تاکید مجدد امام، دشمن اصلی

### ما هشدار میدهیم: کردستان را دریابید!

### خطر جنگ برادر کشی در نوسود و اورامانات به اوج خود رسیده است

نوسود بخش بزرگی است که در شمال شرقی کرمانشاه واقع است. بیشترین فعالیت عوامل ضد انقلابی رژیم بعثی عراق در این منطقه متمرکز شده است. حامد فرزند محمد طاهر بیگ، از عوامل خود فروخته رژیم بعثی عراق در جوانی در نزدیکی نوسود - است. دیگری ثلاث بابا خانی است که با پرداخت مبالغ هنگفت، عنده زیادی را بقیه در صفحه ۲

## کارتر چگونه آدمی است؟

**قطب زاده**  
«نظر من نسبت به کارتر، نظر مثبتی است.»

(از اظهارات صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه ایران در کنفرانس مطبوعاتی روز ۱۱ فروردین ماه، بامداد ۱۱ فروردین ۵۹۰۸)

**امام خمینی**  
«کارتر سردمدار ستمکاران عالم است.»  
«ناقوسها را... بفتح ملت های مستضعف، که در زیر چکمه دژخیمان کارترها از هستی ساقط میشوند، بصد در آورید.»  
(از پیام امام به مسیحیان جهان، کیهان ۵۸/۱۰/۱۳)  
«دنیا کارتر را نمیخواهد.»  
(از پیام امام به مناسبت آغاز هجرت، جمهوری اسلامی، اول آذر ۵۸۰۸).  
«انتظار که ما میدانیم آقای کارتر در مقابل کشتار ایران تشویق هم کرده اند.»  
(مباحثه با شبکه ان.بی.سی آمریکا)

## جهاد سازندگی یک نهاد انقلابی در خدمت زحمتکشان روستاها



# جهاد سازندگی يك نهاد انقلابی در خدمت زحمتكشان روستاها

## جهاد سازندگی يك وسیله مهم و مؤثر برای اجرای قاطع قانون اصلاحات ارضی

● کلاه عربی روستائی است با ۱۲۰ خانوار جمعیت از بخش چناران واقع در استان خراسان. این روستا در دامنه کوههای بلند و پربرف شمال شرقی خراسان قرار دارد. فاصله این روستا با شهر مشهد حدود ۱۲ فرسنگ است. بعلت فقدان راههای ارتباطی و وسایل نقلیه، روستائیان این دهکده فقط در تابستانها قادرند برای تهیه مایحتاج خود، با اسب و یا قاطر، به شهر سفر کنند. اوضاع جهادسازندگی در این روستا، با فصل مشکلات فراوان، موفق شدند يك جاده نیمههوازی از میان کوهها تا شهر، برای عبور و مرور روستائیان ایجاد کنند.

از اقدامات دیگر جهاد سازندگی در این روستا، کارگزاران يك تاکسیران برای مصرف اجالی است. زیرا در گذشته بعلت فقدان جاده ارتباطی با شهر، روستائیان اغلب با کمبود نفتدوچرخه میشدند. این اقدام جهادسازندگی عمل مؤثر و مثبتی برای گذران بهتر روستا در این روستاست.

از اقدامات دیگر میتوان تشکیل شورای ده را در این روستا نام برد. اعضاء جهاد سازندگی بعد از مطالعه کافی، اقدام به تشکیل شورا یکم روستائیان کردند. اعضاء شورای این روستا همگی از قشر زحمتکشاند. (برطبق تصمیم درست متخذه، زمینداران بزرگ، قشربالها، کدخدایان و فرزندان آنها نمیتوانند عضو شورای ده بشوند).

وظیفه شورای ده در وهله اول تکاپو برای حل مضاملات رفاهی ده، از جمله تهیه سوخت زمستانی و وقت و همچنین مرتع و نیازهای فرهنگی است.

موشکیری جهاد سازندگی علیه قاصبان و استثمارگران و بسود طبقات و اقتدار زحمتکش نمونه بسیار برجسته و مهمی است که اینجانبه علاقه و اطمینان مردم را نسبت به آنها جلب کرده است. طبیعی است که با آغاز اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان بزمین و کبزمین، روستائیان این ده و همه دهات، که در آنها مسئله حیاتی زمین مطرح است، میتوانند با تشکیل کمیتههای دهاتی خود و به کمک جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی، نظیر سپاه پاسداران و شخصیتهای مرفعی محلی، تغییرات ضروری و پویایی برای شکوفایی اقتصاد روستای خود و نیز اقتصاد ایران ایجاد کنند و از این طریق بر دسایس و نقشههای ضدانقلاب نیز ضربههای کاری وارد سازند.

در جلسه شورای هماهنگی جهاد سازندگی مشهد، که در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۳ تشکیل گردیده، تصمیماتی اتخاذ شد که فرانسه مثبت و در جهت رفاه ماری و معنوی روستائیان اطراف مشهد بود. در حال حاضر که مسئله ریشه کنی بزرگ مالکی و حل مسئله مالکیت زمین بصورتحاد و فوری مطرح است، یادآوری تصمیمات متخذه آموزنده است.

جهاد سازندگی مشهد وظایف زیرین را در برابر خود قرار داد:

- ۱- شناسائی زمینداران بزرگ، یکمک سپاه پاسداران و کمیتههای برای تعیین حداکثر کمک برای زمین برای هر خانوار، واگذاری مابقی زمینها به دهقانان میبست و تقسیم محصول آنان نسبت بکار انجام شده روی زمین.
- ۲- واگذاری کلیه زمینهای کشت نشده، در صورت غیر -

با آغاز حرکت قاطع انقلابی مردم ایران نهادهای اجتماعی پدیدار شدند که بتواند پایگاهی علیه رژیم منحوس پهلوسیهر کربهای ضروری انقلابی را تنظیم کردند و ضربات گریز بر یکر رژیم مخلوع وارد ساختند این نهادهای انقلابی، که دارای ریشههای عمیق مردمی هستند، هنگامی که در راستای انقلاب و بنای پیشبرد هدفهای آن عمل می کنند، نقش بسیار سازنده و خلاقانه دارند. نمونه اینگونه نهادهای انقلابی سپاه پاسداران و جهاد سازندگی است که از بنیان انقلاب متولد شدهاند و میتوانند بعنوان سازمانهای مردمی و ایستاده به توده خلق، در خدمت اهداف انقلاب و حفاظت از دستاوردهای آن بکوشند و تاکنون نیز لمرات بسیاری برای روستائیان زحمتکش در اکثر نقاط پیر آوردهاند.

بدیسی است که ضدانقلاب میکوشد تا با نفوذ کردن در این گونه نهادها، خطوط اصلی سیاست آنان را، که استحکام بخشیدن به انقلاب و دستاوردهای آن و خدمت به مستضعفین، یعنی مردم زحمتکش و انقلابی است، منحرف سازد و از این طریق ستونهای انقلاب را مست کند. برای حفظ و تقویت کارائی این نهادها و تصحیح خصلت انقلابی آنها باید با پاکسازی عناصر مشکوک از این سازمانهای مردمی، آنان را هرچه بیشتر به خدمت مردم گرفت. در این زمینه بارها رهبر انقلاب نیز رهنمود داده است.

هم اکنون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، در کنار سازمانهای ستور و انقلابی دیگر، در بسیاری از شهرستانهای کشور مبدل به تکیهگاههای برای دادخواهی زحمتکشان روستا شدهاند و جلوی بیادگریرها و ظلم اربابان و متنفذان قدرتمند را میگیرند. همه روزه سیل نامهها و شکوایتهای است که به این مراکز سرازیر میشود. روستائیان با طرح مسائل و مشکلات خود از آنان خواستار همکاری و کمک و همبستگی میشوند.

فعالیتهای جهاد سازندگی که به فرمان امام برای پاسزایی دیوار فروریخته است، بنام اقتصاد ایران آغاز گردیده، در مناطق مختلف چشمگیر بوده است. این فعالیتها در بعضی نقاط برای حل مسائل اساسی روستائی، مانند مسئله زمین و آب و یا برای حل مسائل رفاهی و معیشتی دهات اثرات قابل توجهی داشته است. در استانهای مختلف، مسئولین اعضاء جهاد سازندگی، با توجه به مشکلات فراوان، در شرایطی سخت، تمام نیروی خود را برای خدمت به روستاها بسیج کردهاند.

اگرچه در همه جا عملکرد و نتایج کار به یکسان نبوده است، ولی این نهاد انقلابی میتواند روستاها را با دامنه فعالیت خود را وسیعتر سازد و یکمک پاسداران، سازمانها و محافل و شخصیتهای انقلابی محلی، با تکیه بر نیروی لایزال خود زحمتکشان روستاها و نیز یکمک کمیتههای دهاتی، پشتوانه اجرای یکی از اساسیترین دستاوردهای انقلاب، یعنی واگذاری زمین به دهقانان بزمین و کبزمین باشد، و در اجرای قانون مصوبه اصلاحات ارضی، نقش بسیار حساسی را بسود انقلاب و بسود دهقانان ایفا کند. جهاد سازندگی تاکنون اقدامات رفاهی بسیار ارزشمندی برای پاسزایی شرایط زندگی در روستاها کرده است. بجهاست که هم اکنون که طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی به تصویب شورای انقلاب رسیده و بصورت قانون درآمده است، جهاد سازندگی و دیگر نهادهای اجتماعی و انقلابی بنیانه مجریان اصیل طرحهای انقلابی روستائی عمل کنند، درجه کارائی خویش را بالا برند و پیوند خود را با توده مردم زحمتکش دهات مستحکم سازند. باید به این نهادها و روستاها بیشتر و اختیارات گستردهتری داده شود. حضور يك نماینده از جهاد سازندگی در هیئت ۷ نفری بسیار بجهاست و نظیر ما میتوان بحداب کارمندان نماینده وزارتخانههای کشور و کشاورزی و دادگستری، بر عهده آنها در این هیئت افزود. اخبار زیر نمونههایی از فعالیتهای جهاد سازندگی میباشد. گامی که نشانگر گامهایی مثبت در راه پاسزایی روستاها است. گامی که موجب جلب اعتماد دهقانان شده و اعتبار فراوانی به این نهاد در این منطقه بخشیده است.

### امام خمینی: همه...

بقیه از صفحه ۱  
امام خمینی بناسبت سالگرد بنیادگذاری جمهوری اسلامی ایران پیام مهمی خطاب به ملت ایران فرستادند که نکات اساسی آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.  
ملت بزرگ مصر که از تنگ سادات خیانت کار به تنگ آمده بودند، اکنون مواجعه با ملت تنگ بزرگتری شدهاند که با دسمسوتوطه شیطان بزرگ بر- آنان تحمیل شده است.  
شیطان بزرگ برای رسیدن به چند سال مستند جنایت بهر- وسیله ممکن دستاویر و بهر نقشه شیطانی متعشبت میشود.  
محمد رضا را بهمسر تحمیل و خود را از آن بی خبر معرفی میکند. فاضل آنکه ملتها بهدار شدهاند و دست امثال او را خوب خواندهاند. او که گاهی با افشال نظامی و پیاده کردن چن بازان در لانه جاسوسی و گاهی با محاصره اقتصادی و متزوری کردن کشور، ما را تهدید میکرد و از آن نتیجه نگرفت. اکنون دست بیک نقشه سیاسی و یک نیرنگ شیطانی زده است و با نریش و چاپلوسی می- خواهد ما را اذیت کند و قمار سیاسی خود را از رقیبان خود با نیرنگ به ملت ما ببرد.  
این نیرنگ جدید کارتر شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت تنگبش زد و در مقابل ملت و روحانیون به- چاپلوسی و حیلهگری پرداخت و دسمه او قشر بر آب شد.  
آقای کارتری باید بداند که با فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذرخواهی از اشتباهات گذشته و اصرار به خیانت های آمریکا به ملت های مظلوم از آن جمله ایران و راه راه لانه جاسوسی را از من که يك نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن به پیراهه رفتن است. حل این مسئله بدست هیچ- کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی نمیتند از آراء ملت نیست. باید بداند که حمایت از شاه مخلوع و بسد از آن همه جنایات و خیانت های بزرگ و آن چهار لکری ها مجالی برای حل باصلاح شرافتمندانه نگذاشته است.  
با سپردن شاه مخلوع دشمن اسلام و ایران بدست دشمنی که با اصال تنگین خود مسلمانان جهان را سخت آذینده است، راه حل را پیچیدگی نودمست. عجب اندسی که سادات از مثل کارتری مدعی است که همان انسان دوستی، او را وادار به پذیرفتن شاه مخلوع نموده است. اینان که در هر فرصت ملت های بزرگ را که جریمه جز حق طلبی ندارند ازها درمیاورند، با ادعای احساس انسان دوستی يك نفر جنایتکار را که در ظرف قرب به چهل سال ملتی بزرگ را به تباهی کشید و دوجها هزار انسان بی گناه را به خاک و خون کشید و نزدیک به سدهزار انرفی را محروم و معلول نمود و اموال يك ملت فقیر را به یغما برد، پناه داده و از او حمایت نموده و می نمایند و این را احساس انسان دوستی مینامند و ملت ما و ملت خودشان را بپاسزی سیاسی میکردند.  
اکنون که ما گرفتار شاخصی هستیم که از هیچ امری و ارتکاب هیچ جرمی برای رسیدن بسند چندساله روگردان نیستند و از دروغ گوئی و پیاوسرانی و گفتن و حاشا کردن اها ندارند و مع الاسف دارای قدرت شیطانی نیز میباشد بر همه مستضعفین و خصوص مسلمانان جهان است که بخود آیند و از حق و حقیقت دفاع کنند و وجود این اشخاص پاک کنند.  
بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و متفکران و دانشگهان و دانشمندان همه تسوان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه دشمن قدرتند برای هیچ يك چیزی باقی نخواهد ماند.  
من از برادران و خواهران کردستانی میخوام که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنارهم از کشور خود دفاع کنید.

موجه بودن آن، به دهقانان میبست، ۳- تشکیل شوراهای روستائی برای اداره امور روستاها. این نمونهها نشان میدهند که جهاد سازندگی مشهد، حتی قبل از تصویب طرح استاد رضا اصفهانی، که در هشتم اسفندماه بصورت قانون درآمده، با درک روح انقلاب، در راه تأمین منابع روستائیان میبست گام برداشته است. این همان وظایف اساسی است که هم اکنون در برابر همه نهادهای انقلابی و از جمله جهاد سازندگی در سراسر کشور قرار دارد.

روستای سلیمانی در منطقه سرخس واقع شده است. در این روستا ۱۲۰ خانوار زندگی میکنند. قشورال سابق و فراری این ده حدود ۱۲۰۰ هکتار زمین دارد، که از این مقدار ۶۰۰ هکتار آن برای کشت و بقیه بنوعان چراگاه اختصاصی بکار میرود. قشورال فراری این روستا در دوران سیاه رژیم پهلوی، با قسارت و بیرحمی روستائیان را مورد ضرب و جرح قرار میداد. او حتی در دوران انقلاب روستائیان را که در اوج انقلاب برای تظاهرات علیه رژیم مخلوع و پهلوی به شهر میرفتند، به شلاق میبست. قشورال فراری این ده همچنین تاکنون بیالغ نسبتاً هنگفتی از پول و مال روستائیان را غارت کرده و با توسل به انواع حیل و به کمک ایداری خود علیه خواست قانونی و حق طلبانه روستائیان در خفا اقدام می کند.

اعضای شورای ده مقداری از زمینهای این قشورال طاغوتی و فراری را بزمین کشت برده و به روستائیان واگذار کردهاند. همچنین اعضاء جهاد سازندگی برای دستگیری و مجازات قشورال فراری با روستائیان همکاری می کنند. از اقدامات دیگر جهاد سازندگی میتوان نمونههای زیر را نام برد:

- ۱- خرید موتور آب و برق،
  - ۲- حفر چاه برای آبیاری زمینها،
  - ۳- تهیه و تحویل ۵۰ ستون برق،
  - ۴- لوله کشی آب برای تأمین آب مصرفی اهالی،
  - ۵- تهیه ۲۰۰ کیسه سیمن برای نصب موتور آب،
  - ۶- تهیه مصالح ساختمانی و آهن برای ساختمان خسالخانه ده.
- نمونههای فوق نشان میدهند که جهاد سازندگی، بعنوان يك نهاد انقلابی، در پیوند با منافع زحمتکشان روستاها، میتواند در خدمت رفا و تغییرات بنیادی در شیوه استثمار بزرگ مالکانه در روستا گامهای اساسی و تعیین کننده ای بردارد.
- هفتادانه که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تاریخ ۲۶ اسفند ۵۸، با عنوان دهقانان بزمین و کبزمین؟ کمیتههای خود را در همه جا تشکیل دهیده آمده است، برای واقعیت بخشیدن به نیاز حیاتی انقلاب و خواست مردم میلیونها دهقان زحمتکش، یعنی واگذاری زمین به دهقانان بزمین و کبزمین و طرد کامل سیستم بهره کشی بزرگ مالکانه، باید دهقانان تهیه دست با تشکیل کمیتههای خود، به اجرای قانون اصلاحات ارضی یاری رسانند. این کمیتهها، به کمک نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و شخصیتهای انقلابی و روحانیون مردمی، اهم مؤثری برای اجرای طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی، که يك ماه از تصویب آن در شورای انقلاب گذشته، خواهند بود. بکار گرفتن نهاد های انقلابی جهاد سازندگی و ارتکاب به توده عظیم دهقانان میبست برای اجرای دقیق و صحیح قانون اصلاحات ارضی و وظیفه ای بزم، حاد و حیاتی است، زیرا تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب باید بوسیله همان تودههایی انجام گیرد که انقلاب را بروی دوشهای پرتوان خود حمل کرده و به پیروزی رساندهاند. رسالت نهادی چون جهاد سازندگی در تأمین قشورال انقلاب و خدمت به مردم زحمتکش و در انجام وظایف خطیری چون ریشه کنی ظلم و غارت بزرگ مالکی و رساندن حق به قشورال و زمین به دهقانان، درخشانتر از همیشه تجلی خواهد کرد.

### همکاری نظامی آمریکا و چین و پاکستان علیه افغانستان

پاره ای از روزنامه های آسیای جنوب شرقی خبر دادند که ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان ممکن است بزودی از چین بگریزد. لازم بیادآوری است که اخیراً يك هیئت بلندپایه نظامی چین از اسلام آباد دیدن کرد و درباره تحویل سلاح به پاکستان مذاکره ای انجام داد. واشنگتن که در اطراف پاکستان به قمار خطرناکی دست زده است، در همین حال تلاش دارد چین را نیز به مسلح کردن رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق وادار کند.

گزارشهای رسیده نشان میدهد که از طریق شاهراه قره قورم - سیل سلاح به پاکستان و برای باندهای افغانی سرازیر شده است. محافل اجتماعی در پاکستان در ماههای اخیر بارها با این سیاست اعتراض کرده و آنرا مغایر با منافع ملی پاکستان دانسته اند. حتی روزنامه های رسمی پاکستان اعتراف کرده اند که رژیم هفت میلیارد دلار به خارج مقروض است. همین روزنامه ها اعتراف میکنند که اقتصاد پاکستان با اوضاع اسفناکیزی روبرو است. با این همه رژیم ضیاء الحق بیش از چیزی درمردم بوجه کشور، یعنی دسترنج زحمتکشان محروم را، صرف مخارج نظامی میکند.



من کاری به شاهزاده ندارم. فقط جیبتان در حرم منافع جهانی لیست!

### گردستان را...

بقیه از صفحه ۱  
اجیر کرده و در درگیری های اخیرش با سپاه پاسداران، از این سپاه ۱۰ تن کشته و ۲۰ تن را زخمی کرده است.  
تحریکات دوسیمه های عوامل ضد انقلاب زمانی شدت می یابد که تحریک اقتصادی نوسود با کشت بیش از ۱۰ ماه هنوز ادامه دارد.  
در اورانامات  
سپاه زرگاری، یکی دیگر از عوامل ضد انقلاب است که پایگاه همیش در منطقه دژئی اورانام قرار دارد. سپاه زرگاری اخیراً پشت مسلح شده است و کفته شاهدان عینی، هفت بار در عرض هفته گذشته، حلی کوپترهای عراقی در منطقه دژئی در خاک ایران برای آنها نیروی پناه داده اند.  
وجود عوامل ضد انقلاب در نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران، ادامه تحریک اقتصادی و در پی آن تشدید نارضایتی در میان توده زحمتکش از يك سو، و فعالیت های مخرب عوامل ضد انقلاب از نوع حاکم محمد ظاهر بیگ و سپاه زرگاری از سوی دیگر، از عوامل هستند که در ایجاد محیط مستفید در منطقه مؤثراند. شرایط خرنج و حساس کنونی انقلاب ایران حکم میکند که هرچه زودتر، اولاً به خواستهای بحق خلق کرد، به پیروی از پیام تاریخی امام خمینی، پاسخ داده شود.  
ثانیاً، با پاکسازی عوامل ضد انقلاب، عملیات مخرب مهار گردد.

رامنخوش میسازند، فرع را به لباس اصل می نشانند، دشمن اختراع میکند و افکار عمومی را در جهت مبارزه با این دشمن موهوم سوق میدهند.  
ما به این کسان میکوئیم، آقایان! تجربه تلخ و دردناک ۲۸ مرداد را فراموش نکنید. به گفته امام روشن بین، « با سلطه دشمن قدرتمند برای هیچیک چیزی باقی نخواهد ماند ». امروز عده کوپتین دشمن مشترک-امپریالیسم امریکاست که باید میلیونها مشت را یکی کرد و این يك مشت را با مقاومت کوه بر سرافنی زهر آگین خطرناک فرود آورد.  
پیام امام نیز همین حقیقت را بیان میکند که: «... نزاعهای شخصیتی و گروهی را که جز از هوای نفس بر نمیخیزد و در صورت رشد، همه را به کساهی میکشد و کشور را به - شرابی سوق میدهد، کنار بگذارید ». آنان که هندارهای مکرر امام را در ضرورت وحدت خلق و اتحاد نیروهای انقلابی نمی شنوند و یا نمی خواهند که بشنوند، در برابر تاریخ، در برابر مردم، در برابر پرچم انقلابی و آغشته به خون هزاران شهید، مسئول اند و باید جواب گوی گفته ها و نوشته ها و اقدامات خود را بدهند.

### ندای وحدت امام...

بقیه از صفحه ۱  
روزهایی است که علیرغم جو دسمسوت و نیرنگ دشمن، عناصر، سازمانها و گروههایی، دانسته یا ندانسته، آگاهانه یا نا آگاهانه، دشمن عمد و آماج اصلی مبارزه، یعنی شیطان بزرگ-امریکا را به پشت صحنه رانده اند، و با خلق دشمنانی موهوم و پراکندن لجن به آنان، سعی در جدائی نیروها و شکستن جبهه متحد خلق علیه امپریالیسم آمریکا دارند. پیام امام با کلماتی روشن و جان بخش بار دیگر مردم را به حفظ وحدت فرا میخواند. امام میکوید:

بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی که هستند از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت کلمه درهم کوبند و نزاعهای شخصی و گروهی را که جز از هوای نفس بر نمیخیزد و در صورت رشد، همه را به تباهی میکشد و کشور را به خرابی سوق میدهد، کنار بگذارند و گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگهان و دانشمندان همه تسوان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه دشمن قدرتمند برای هیچیک چیزی باقی نخواهد ماند.

مردمی بر نوشته ها و سخنرانیهای یکی دو ماهه اخیر نشان میدهند که چه نیروهای از خط امام، که از جوه آن عمده بودن مبارزه علیه امپریالیسم امریکاست، تخطی جست و پاهر خود خصمانه، تحریف تاریخ و جعل واقعات، سعی دارند مبارزه مردم را در روزهای رویاداری مستقیم با توطئه های خطرناک امپریالیسم آمریکا از مسر درست منحرف سازند و لبه تیز مبارزه را علیه نیروها و سازمانهایی برانگیزند که گناهی جز مبارزه یکپس علیه امپریالیسم آمریکا و پاسداری از دستاوردهای انقلاب نداشته و ندارند. علیه کشورهای برانگیزنده که صادقترین پشتیبان انقلاب ایران بوده اند و هستند.  
حزب توده ایران پیوسته بر آن بوده است که وجود نیرو- های گوناگون سیاسی با عقاید سیاسی و مسلکی گوناگون در يك جامعه طبقاتی، نظیر جامعه ما، امری است مسلم و طبیعی و وجود حداقل دموکراسی حکم میکند- بویژه در کشوری که با دشمن خونخوار چون امپریالیسم آمریکا درگیر است- که این نیروهای گوناگون در کنار هم امکان زیست یابند و برای تحقق شعارهای واحدی در جهت تأمین استقلال کشور، دموکراسی و عدالت اجتماعی به وحدت نظر برسند و در يك شکل، در کنارهم، به مبارزه مشترک دست زنند. اکنون این امام است که این عهده ترین مصلحت انقلاب و مردم را در این جمالات ندانم دهد که:  
«... در هر مسلکی و با هر گروهی که هستید... دشمنان را با وحدت کلمه درهم کوبید ». اما چه میتوان کرد که نیروهای حتی با دعوی پیروی از خط امام، خط سیاست ویژه خود را دنبال میکنند، بر زهای وحدت



# حزب توده ایران و دکتر مصدق

شاید کمتر موضوعی را بتوان یافت که درباره‌اش تا این اندازه در جریان ۲۵ سال اخیر زندگی سیاسی ایران بحث و صحبت شده باشد. در این دوران، این صحبت‌ها از جهات مختلف انجام گرفته و هنوز هم بازار این گپ‌زدنها بسیار گرم است.

## ۱- حزب توده ایران و دکتر مصدق در دوره تاسیسی حزب توده ایران

موسسین حزب توده ایران نسبت به دکتر مصدق و مبارزه سیاسی که در دوران همدلی استبداد پهلوی انجام داده و محرومیت‌های که در پیامده این مبارزه تحمل کرده بود، با دیدن احترام نگاه میگردیدند. در همان اولین روزهای پس از سرنگونی رژیم پهلوی رضاشان، که امکان فعالیت‌های سیاسی آزاد در محدودهٔ مبنی بوجود آمده بود، تمام تلاش‌های رهبری و موسسین حزب توده ایران در این جهت بود که با دکتر مصدق در یک جبهه وسیع ملی و آزادیخواه همکاری کنند. حتی از طرف موسسین حزب توده ایران به دکتر مصدق پیشنهاد شد که او رهبری چنین جبهه‌ای را برای تثبیت و تحکیم و گسترش آزادیهای بدست آمده بپذیرد.

## ۲- استراژی امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی برای دوران پس از جنگ

پس از جنگ جهانی دوم، ایران مانند سراسر جهان، غیر از کشور اتحاد شوروی، ملک طلق و بدون منازعه امپریالیستهای جهان‌خواه بود. نظام فارتگری امپریالیست بر سراسر جهان، به استثنای اتحاد جماهیر شوروی-سوسیالیست، بدون چون و چرا فرمانروایی داشت. در ایران رژیم رضاشان، که بدست اروپایان انگلیسی‌اش بوجود آمده بود، تمام خواسته‌های امپریالیست‌ها را در این منطقه بسیار با اهمیت استراتژیک برای جهان امپریالیست تأمین میکرد.

حکامیکه منازعه داخلی فارتگرسان امپریالیست و بویژه منازعه بین دو گروه فارتگر، یعنی آلمانی و ژاپنی و ایتالیا از یکسو و انگلیس و فرانسه و آمریکا و سایر مستعمراتشان از سوی دیگر، به جای خود را به یک رژیم انقلابی ضد امپریالیستی داده بود، رژیم که تمام نهادهای امپریالیستی روسیه تزاری را از بین و بن ریشه کن ساخته و برای اولین بار در تاریخ بشر، پایه مناسبات جدیدی را بین کشورها برپا کرده بود. بر روی دکتر مصدق اثر چندانی نگذاشته بود.

دکتر مصدق برپایه جهان‌بینی طبقاتی خویش این واقعیت را درک نمیکرد که خصوصیت استعماری و امپریالیستی ریشه طبقاتی دارد، نه ریشه ملی-جغرافیایی. استعمار و امپریالیسم محصول نظام سرمایه‌داری رقیب یافته در جهان است، خواه آلمانی باشد، خواه انگلیسی، خواه ژاپنی و یا آمریکایی.

دکتر مصدق فکر میکرد که خصوصیات امپریالیستی تنها باید و ایستد باشد به استعمار شکل سابق، و از اینرو صیفا معتقد بود که انقلابات ضد امپریالیست، بدون ماندن انگلیس و فرانسه، مستمرات روسیه در دنیا نداشته است، پس برای خصوصیات استعماری نیست.

استراژی امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی این بود که در اولین فرصت، تمام آنچه را که موجب ترلز در حاکمیت برچون و چرای آنان شده، در ایران از بین ببرند و آرامش قبرستانی دوران رضاشان را دوباره در ایران برقرارند و ایران را باز هم به «جزیره ثبات شاهنشاهی» در منطقه بدل کنند.

یکی از دستاوردهای بزرگ تحولات دوران جنگ و بویژه سالهای آخر جنگ - که دوران دردم شکسته شدن امپریالیسم وحشی نازیها و فاشیستها و امپریالیسم رضاشان ژاپنی بود - گسترش فعالیت دموکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران بود. مردم ایران از شرایط مساعد استثنایی نافرمانی نیروهای ارتش و امپریالیستی در ادامه اختناق سیاسی دوران رضا خان بهره‌گیری کردند و در شرایط دشوار دوران جنگ، با وجود حضور ارتشهای آزادکننده انگلیس و آمریکا، که در همه جا از ارتجاع سیاه ایران، یعنی از فئودالها و مالکان و سرمایه‌داران وابسته و خاموشی‌های پشتیبانی میکردند، جنبش نیرومند ضد امپریالیستی و دموکراتیک را بوجود آوردند.

بسیار از جنبش نیرومند خلقی خاری بود در چشم امپریالیستها و بهین جهت از همان آغاز پیدایش اولین تظاهرات، یعنی سازمان جوان حزب توده ایران، مورد تکیه و تکیه و ستیز و حیثانه ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفت.

فاشیستی و مذهبی مانند سومکا، وسته‌های سیدنیایی و... تنها برای مبارزه با حزب توده ایران مانند قارچ میرویدند. به این ترتیب هدف استراتژیک امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی در منطقه کشور ما این بود که در اولین فرصت ایران را دوباره به میدان تسلط برچون و چرای خود مبدل سازند. برای اینکار لازم بود که مجموعه جنبش ضد امپریالیستی در دموکراتیک را سرکوب کنند. برای رسیدن باین هدف ضروری بود که پیش از هر چیز نیرومندترین گردان این جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک، یعنی جنبش توده‌ای دردم شکسته شود.

## ۳- توطئه سرکوب جنبش در آذربایجان و کردستان

اولین موج حمله امپریالیستها و ارتجاع ایران برای تدارک نقشه اساسی خود، توطئه در آذربایجان و کردستان بود. در جریان مبارزات مردم ایران برای تأمین استقلال و آزادی، برای ریشه کن کردن تسلط استعماری امپریالیسم، آذربایجان و کردستان بصورت سنگرمی صده مقاومت نیروهای مترقی جامعه در آمدند. جنبشهای ملی و آزادیخواه در این دو استان، پایتیم خود دست قدرت ارتجاعی شاهنشاهی را کوبه کردند و آن حقوقی را برای مردم آذربایجان و کردستان تأمین کردند که پس از سرکوب سراسر امام خمینی، رهبر پرورادیت انقلاب ایران، در تمام تاریخی خود برای این خلقها و خلفای دیگر غیرتاریس مین ما، بحق دانستند و بر آوردن آرا و عده دادند.

در سال ۱۳۲۵ که حمله امپریالیسم و ارتجاع ایران برای سرکوب جنبشهای ملی و خلقی در آذربایجان و کردستان آغاز گردید، در مقام دموکراتیک ایران اولین و فتنه‌ناگوار میانی سرکوب، دنیای استعمار زده، دنیای زور سطر امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی بود که در آن جنبش نیرومند ضد امپریالیستی و خلقی و آزادیخواهانه توسعه گسترده پیدا کرده بود. در مقابل، امپریالیسم در مقامی جهانی از شرایطی بطور بیسابقه مساعد بسود خویش برخوردار بود.

شاهنشاهی دست نداشتند علیه حزب توده ایران تشدید گردد. مذهب پیش از اینکه دولت شاه مخلوع حادثه تیراندازی در دانشگاه را بیانه قرار دهد و حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کند، حزب ماساند شخص تدارک این حمله ارتجاعی را فاش کرد و همین

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از طریق مدونی این دو نقشه شیطانی را شناخت و فاش کرد. افشارگری حزب توده ایران در طول سال ۱۳۲۷ در مورد نقشه امپریالیستی برای تحکیم موضوع فارتگرانه‌اش در منابع نفی کشور باعث شد که فیض و کین امپریالیستها و رژیم شاهنشاهی دست نداشتند علیه حزب توده ایران تشدید گردد.

فاش کردنها انجام این نقشه را چند ماهی به تأخیر انداخت. برای رهبری حزب مادیرگ مسلم شده بود که ارتجاع ایران در اولین فرصت سر به قله برای غیرقانونی کردن حزب ماروازد خواهد ساخت. مابارها و بارها این توطئه را فاش کردیم و از سایر نیروهای ملی خواستیم که به حزب ما کمک کنند. ما به آنها یادآوری کردیم که حمله به حزب توده ایران، حمله به آزادی همه مردم ایران است و اگر ارتجاع موفق شود حزب ما از زمینان مبارزه خارج سازد، به آسانی خواهد توانست سایر نیروهای مخالف خود را نیز قلع و قمع کند.

ولی متأسفانه ندهای پدید حزب توده ایران برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری علیه رژیم جنبش محمدرضای خان گوش شنوائی پیدا نکرد. ما بویژه مکرراً به دکتر مصدق و یارانش مراجعه کردیم و از آنها خواستیم که در مقابل این توطئه علیه حزب ما، از آزادی فعالیت حزب توده ایران دفاع کنند، ولی دکتر مصدق حاضر نشد گامی در این راه بردارد. حفظ دوستی با آمریکا برای دکتر مصدق، از دفاع از آزادی در ایران با اهمیت تر بود. دکتر مصدق این قدرت جهان‌خوار امپریالیستی را میشناخت و عقیده داشت که گویا این پلنگ درنده مدافع منافع ملی ما در مقابل فارتگریهای امپریالیسم انگلستان است.

به این ترتیب حزب ما در مبارزه تنها علیه جبهه متحد امپریالیسم آمریکا و انگلیس و ارتجاع سیاه ایران قرار گرفت، که از حیث فرهنگی و سکوت مخلوط با رضاشاهی نیروهای ملی‌گرا بهره‌گیری میکردند.

رژیم سرسورده شاه خان حادثه تیراندازی دانشگاه را بیانه کرد و حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کرد. حزب توده ایران دست لفظی غیر قانونی اعلام شده که بدست سترگ ارتجاع و فتنه‌ناگواران ارتش و گردانندگان دستگاه دولتی و فئودالها و ملاکان و بیخشی همی از سرمایه داران وابسته به گروه جهانی استرالیست را در بر می گرفت.

این جریان دوم را سرسوردگان شرکت نفت جنوب و امپریالیسم انگلستان تشکیل میدادند، که تقریباً بطور کامل قدرت را در دست داشتند. این جریان گرفته تا اکثریت مطلق نمایندگان مجلس و سنا و فرماندهان ارتش و گردانندگان دستگاه دولتی و فئودالها و ملاکان و بیخشی همی از سرمایه داران وابسته به گروه جهانی استرالیست را در بر می گرفت.

## ۴- حمله برای از بین بردن حزب توده ایران

پس از آذربایجان و کردستان، امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی تدارک حمله برای دردم شکستن سنگر حزب توده ایران را آغاز کردند. این حمله از توسعه تدارک دیده شد: اول گوشش گرفته حزب توده ایران را به کمک سرکوب، تسلیم طبیان و سازشکاران، یعنی چارو-دسته خلیل ملکی از دون شخص گند و پناه میفرستاد و تسلیم به امپریالیسم بکشاند. این تلاش در مقابل مقاومت مبارزان وفادار توده‌ای، مبارزان راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و دموکراتیک ایران، با شکستی منتهی‌المنه پایان یافت.

حزب توده ایران از این بردهم سرکوب سردم و تسلیم‌طلبان داروسسته خلیل ملکی از یکسو و حلقه جوان و صنعت طبیان چپ‌ها از سوی دیگر، محکمت محسوسه برجای ماند.

شکست این تلاش، امپریالیسم و ارتجاع ایران را واداشت که حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کنند و از این جهت امکان فعالیت آزادانه را از آنها بگیرند. نقشه غیرقانونی کردن حزب توده ایران جنبش بود از نقشه وسیعتری برای تثبیت تسلط امپریالیستی بر سراسر کشور و اجتناب از تضاد نظامی و فرهنگی بین ایران، جزوه دیگر توری این نقشه، تقویتی مسلط قرارداد و انگلیس را نیز منابع نفی ایران به امپریالیسم انگلیس بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از طریق مدونی این دو نقشه شیطانی را شناخت و فاش کرد. افشارگری حزب توده ایران در طول سال ۱۳۲۷ در مورد نقشه امپریالیستی برای تحکیم موضوع فارتگرانه‌اش در منابع نفی کشور باعث شد که فیض و کین امپریالیستها و رژیم شاهنشاهی دست نداشتند علیه حزب توده ایران تشدید گردد.

بقر ارباد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



# حزب توده ایران و دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۴

نفی آمریکا بودند، به تناسب احتیاجات اقتصاد درحال گسترش ایالات متحده محدود بود و مسئله دستیابی به منابع جدید نفت بصورت یکی از عمده ترین اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا مسلم گردید.

اما این عمده ترین منابع تقریباً بطور انحصاری در اختیار امپریالیسم انگلیس قرار داشت. نفت ایران و عراق و تمام منابع نفتی کشورهای ساحلی خلیج فارس که امروز بطور متوسط حدود ۷۰٪ از تمام نفت دریای امپریالیستی را تأمین میکند، یکجا در دست امپریالیسم انگلستان بود. آمریکا از این عمده منبع ضخیم خواستار کلاهی بزرگ بود و انگلستان نمیخواست از این منبع عظیم غارت دست بردارد.

پدینسان جنگ جهانی برای تصرف منابع نفتی خاورمیانه و از جمله نفت ایران، بین این دو قدرت غارتگر جهانی آغاز گردید.

در ایران، جریان امپریالیستی سیاست را بران پایه گذاشت که گروههایی را برای وارد آوردن فشار به امپریالیسم انگلیس تجهیز کند، آنرا در صفوف نیروهای راستین ضد امپریالیستی وارد سازد و رهبری جنبش را بدست گیرد و با در دست داشتن این برگ نیرومند، در میان انگلیسی روادار به تسلیم و تقسیم منابع نفتی ایران نماید. برای اینکار امپریالیسم آمریکا عمل خود را توجیه کرد. گردانندگان این جریان خائنه امریکائی، زاهدی ها، مظفر بقائی ها، حسین مکی ها، حائری زاده ها، روزنامه - نگاران طاغوتی مانند ملکی مدیرستاره، میرآشرفی مدیر آتش و... که همه بعداً قیافه واقعی خود را نشان دادند، میدان داری این بازی سیاسی را بعهده گرفتند.

یکی از موزیانه ترین بازی های امپریالیسم آمریکا این بود که توانست از همان آغاز اوچکیگری جنبش ملی کردن صنایع نفت، این عناصر مزدور خود را در صف نیروهای ملی، که در اطراف دکتر مصدق قرار داشتند، وارد کند و به دادن وسیعترین امکان فعالیت سیاسی به آنان، در جریان مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم انگلیس، مواضع مستحکمی برای خود بدست آورد.

رهبری حزب توده ایران که از همان سالهای جنگ دوم جهانی به نفتی خطرناک متجاوز امپریالیسم آمریکا آشنا بود، این مانور موزیانه را خیلی زود شناخت و بدستی خطر امریکائی و هدفهایش را فاش کرد، عناصر شناخته شده وابسته به امپریالیسم آمریکا را داخل جنبه ملی و در دولت مصدق افشا کرد و کوبید. متأسفانه در دوران کوتاهی، این ضربات متوجه تمام جنبه ملی و تمام کابینه مصدق شد و به متسی اتحاد نیروهای ملی زین رسانید. ولی اصل سیاست حزب ما علیه امپریالیسم آمریکا و عوامل همواره در دست و پیکار بود.

## ۶ - تأسیس جنبه ملی و ترکیب آن

دلائل مسلمی که موجب این اشتباه رهبری حزب توده ایران شد، همان ترکیب اولیه موسسین جنبه ملی بود، که بین آنها تعداد زیادی از عناصری بودند که برای حزب، ارتباط آنها با امپریالیستهای امریکائی جای هیچگونه تردیدی باقی نمیگذاشت.

از میان ۱۹ نفر موسسین اولیه جنبه ملی، برای حزب توده ایران مسلم بود که دکتر مظفر بقائی، حسین مکی، حائری زاده، عبدالقدیر آزاد، عباس خلیلی، سعیدی نوری، احمد ملکی، جلالی، قائمی، وارسلان خلعتبری سرسوردگان به امپریالیسم آمریکا بودند. پشتیبانی کسانی مانند میرآشرفی، مدیر روزنامه آتش، مفسد فی الارض معدوم، از جنبه ملی، که جلسات مشترک گروه بالا با چاسوسان سفارت آمریکا در منزل تشکیل میشد و مالز آن اطلاع داشتند، رهبری حزب را در این زمینه بافشارتر میکرد. بویژه این بافشاری وقتی شدیدتر میشد که رهبری حزب اطلاعات کاملی در دست داشت که دکتر مصدق از ارتباط این گروه با سفارت آمریکا کاملاً واقف بود، ولی هرگز قدمی در راه جدا کردن خود از تحریکات این گروه برنمیداشت و در خروس رادر جنبه ملی باقی نگاه میداشت.

برای اینکه این ادعا مارا با دلائل

ملکی تهریزی که از اعضای فعال موثر حزب سابق توده بود و بعداً بعنوان اتمالیون حزب موزور ترک نموده و علناً با آن مبارزه مینمود برای آقای دکتر بقائی ایجاد شد و شروع به تهریزی حزب کرده و شب و روز فعالیت نموده و باین جهت در جلسات گاهی دیرتر حاضر میشدند ولی خودشان توضیح میدادند که فعالیت زیاد حزبی باعث تأخیر گردیده است!

آقای مکی هم توضیح مینمودند که بایستی آمریکا سیاست خود را با سیاست انگلیس در ایران مخلوط نکند و چون سیاست انگلیس در ایران بیشتر جنبه مداخله در امور را دارد و از دولتها و حتی وزیران کابینه علناً حمایت نمینماید بایستی این امر مورد قبول سیاست آمریکا قرار گیرد و جنبه ملی مخصوصاً این جلسات را تشکیل میدهد که این امورشون شود و اجلاس این چند نفر آقایان باشما بدستور جنبه ملی نیست بلکه برای توضیح مطالب است که هم آقایان به روش کار جنبه آشنا شده و در خواسته های ملت ایران سبق گردند.

پس از پایان میهمانی آقای ویلز یک شب در هفته هم منزل آقای دیش واقع در خیابان پهلوی و شبی هم خانه آقای دکتر گرنی واقع در خیابان شاهرخ رفته و پس از اتمام مذاکرات سیاسی بعمل می آمد و چون فصل تابستان و هوا نسبتاً گرم بود نوبت آقایان مکی و دکتر بقائی هم در باغ صبا میمانی داده شد و آقای میرآشرفی با نهایت میل پناهنده آقای دکتر فاطمی باغ خود را به اختیار دوستان گذاشته بودند.

پذیرائی های افراد کمیسیون سیاسی و تبلیغات جنبه ملی از افراد موثر سیاست خارجی (آمریکا و انگلیس) تقریباً صورت یک جلسه دوستانه هفتگی را بخود گرفته بود و در آن همین رفت و آمدها بود که توجیه اینکه جنبه ملی کمونیست و یا طرفدار حزب توده است بکلی از داغ خارجیان که در آنوقت بسیار موثر در دستگاههای دولتی بودند خارج گردید و تبلیغات حکومت رزم آراء خصوصاً که جنبه ملی را دست نشانده و پاره اولی قلمداد می نمود نقش بر آب ساخت.

ناید فراموش کرد که در همان ایام برخی از اعضای حزب توده که از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران از دستگاههای توده ای اخراج شده بودند مانند خلیل ملکی تبریزی - حسین خطیبی - حسین ملک - خانم غلامشیر و چند نفر دیگر اطراف دکتر بقائی را در روزنامه شاهد احاطه کرده و چون به مناسبت مبارزه شدید شاهد با حکومت رزم آراء این روزنامه در میان مردم شهرتی یافته و آقایان مکی و حائری زاده در آن ایام چند روزی تکفروشی و توزیع روزنامه شاهد را عهده دار بودند، افراد شکست خورده از حزب توده بعنوانی مختلف در هیئت تحریریه شاهد رسوخ یافته و تحت عنوان روزنامه های طنز و ستیز و غیره بجای شاهد منتشر گردیده و بقلم آنان مقالاتی در آن جایید و همچنین شاهد منتشر میگردد و چون دستگاه حکومت رزم آراء میدانستند که دکتر بقائی بیچوجه سابقه روزنامه نگاری نداشته ولی شاهد و جراید دیگری که بجای آن مرتب منتشر میشود اشخاصی را که از حزب توده اخراج شده بودند همکار بقائی معرفی کرده و بهمین مناسبت جنبه ملی را هم وابسته به حزب توده و کمونیست ها بخلط و دروغ معرفی میکردند و تماس افراد جنبه ملی با امپریالیستها و انگلیسی ها مانند ستر پاپین - کلنل پایبوس و ستر فیلیپ پرایس این شائبه را تومر با بکلی از بین برد و همین ایام بود که فکر تأسیس حزب زحمتکش ایران بنا بر پیشنهاد خلیل ملکی تهریزی توجه دکتر بقائی را جلب کرد و از توجه امپریالیستها نیز به لزوم تشکیل این حزب و تقویت آن در مقابل تبلیغات شدید کمونیستها و تودمها حد اکثر استفاده رانموده و بتدریج از همان اوان دست بکار تأسیس حزب و ایجاد شعبه آن در شهرستانها و اجاره کردن محل وسیعی برای باشگاه حزب و خرید اثاثیه و بلندگو و تا این اواخر در دستگاه مصدق - السلطنه استخدام چویدار و چاقوکش گردیدند و بدینوسیله مبارزه های مسلحانه زحمتکش با احزاب مخالف حکومت مصدق السلطنه در جلوی بهارستان و نقاط دیگر از همان تاریخ سرچشمه گرفته و بتدریج پایه گذاری شده بود که شرح متصل آن بمناسبت اقدامات جنبه ملی بعداً خواهد آمد.

پذیرائی منزل آقای دیش وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا و خانمشان که در اوایل خیابان پهلوی بود قدری وسیعتر و جنبه رسمی تر بخود گرفته بود و همه مدعوین هفته که همان اعضای کمیسیون - های تبلیغات و سیاسی جنبه ملی بودند، پس از شام گرد میزی نشسته و سرگرم مذاکرات سیاسی گردیدند.

آقای دکتر بقائی که بزبان فرانسه با خانم آقای دیش سرگرم صحبت و از مشکلات کار و گرفتاریهای روزانه خود که حتی برای تحصیل آزادی اقدام به اتراف با همسر خود نموده اند مذاکره میکردند در این جلسه توضیحاتی در اطراف طرز کار شیانه روزی خود داده و متذکر شدند که سازمان جوانان نظارت بر انتخابات با علاقه و اشتیاق فوق العاده کار میکنند و جوانانی که در خدمت این سازمان هستند روزها در کنار صندوقهای انتخابات موافق مردم هستند که نقلاتی در آراء و گرفتن ترغیف نمایند و پس از پایان مراسم اخذ آراء در محل انجمن نظارت مرکزی در شمارش و لاک و مهر کردن صندوقهای آراء غالباً تا صبح بیدار مانده برای جلوگیری از دستبرد زندان و توفیق آراء بیدار میمانند و هیچ توفیق ندارند و با خان خالی میسازند.

اگر از منزل آقای دکتر مصدق السلطنه ناچار و شام برای این جوانان فرستاده نشود معلوم نیست سرروشت گذران آنان با نان خالی چیست؟ و خلاصه اینطور نتیجه گرفتند که حزب توده برای آقای دیش وابسته بخود مرتباً کافههای لوله جلائی دریافت کرده و پول و اعتبارات کافی در اختیار دارد ولی سازمانهای مبارزه با حزب توده از داشتن هر نوع اعتباری محروم و جرایدهند توده هم با سرمایه های قلیل شخصی اداره شده قدرت استخدام نویسندگان موثر و در اختیار داشتن کافه کفی و چاپخانه ندارند و حتی اداره توزیع که جراید آنها را صحیحاً توزیع نماید در اختیار خود ندارند و بدینوسیله است با این ترتیب با دولت مثل دولت رزم آراء که خود روسای حزب توده را فرار میدهند چگونه ممکن است در مقابل تبلیغات حاد و شدید حزب توده قد علم کرده و مبارزه نمود!

پرواضح است که طرح این مذاکرات خصوصاً در محفل امپریالیستها که چندان دلخوشی از رفتار کمونیستها با مردم جهان ندارند و برای آزادی و دموکراسی حتی سرمایه نقدی غریبی را از کف میدهند بسیار موثر و دلنشین است و حالاً که تازه فقهدهاند جنبه ملی نه تنها کمونیست نیست بلکه تشدیداً با آنها سر مبارزه را دارد استماع راه علاج مورد پیشنهادش مربوط به آن امر بسیار مورد علاقه شان قرار گرفته و موضوعی بود که تازه می باشد و خصوصاً وقتی این امر از دهان مردی بیرون می آمد که از شدت علاقه برای خدمتگزاری مردم و آزادی دموکراسی حتی زن خود را طلاق گفته باشد و شب و روز در انتظار نشریه ای با نشانهای مسائل اقدام نموده درجلسی با همه مبارزه کرده و از علاقمندان و موافقین واقعی دکتر مصدق بدکتر مصدق و جنبه ملی معرفی شده باشد چندین بار از گفتار دیگران با این نوع منطق و استدلال موثر تر و با نفوذتر میباشد.

خلاصه دکتر بقائی ثابت کرد اصلاح این امور فقط در سایه ایجاد یک حزب قوی و مترقی امکان پذیر است و حزب هم همه میدانند بدون پول محال است رشد و توسعه پیدا کند. یا باید اشخاص مقتدری دست بکار تأسیس حزب شوند تا مردم بقصد استفاده از نفوذ و قدرت برای انجام حوائج دنیوی خود می آید نمایند یا پول نقد بعد کافی در اختیار باشد تا بتوانند پهلوانان روغن نوجوانی را بقصوت درآورده با پول از زور و قدرت عضلات آنها استفاده نمود و در نظرات چشم دشمن را ترسانیده و در محافل با چاقو و چوب و سنگ آنان را از میدان بدر کرد و توضیح دادند با تهریتی که از عضویت در حزب دموکرات قوام السلطنه که در سایه همان حزب دست توده را بکلی باز کرد و باعث برگشت آذربایجان گردید (در آن موقع تا ایندرجه از قوام السلطنه فاصله نکرده بودند) و همچنین رفاقت بچوانان تحصیل کرده و مطلقاً که از حزب توده ایران اخراج شامند بخوبی ممکن است جزئی در ایران علم نمود و هم مقاصد مشروع خود را برآورده ساخت و هم به اسم خود را با توده ایها نقشه های سیاسی خود را ولو ضد دولتها باشد عملی ساخت.

چون وسائل تهیه چلوکباب در حصارک (کرج) مهیا نبود از روز قبل من موجبات پذیرائی را فراهم کرده و از مدعوین محترم تقاضا کردم برای اینکه روز جمعه و تعطیل را بیشتر دور هم باشیم و

مذاکرات سیاسی را برای بعد از ظهر بگذاریم از صبح زود تشریف فرما شوند تا قدری هم گردش و تماشای اطراف خسارک نموده و از مناظر زیبا طبیعی استفاده و بازدید بنگاه آبرومند وسوسمند رازی (لایرتوارها) را هم کرده و سپس بعد از صرف ناهار کمیسیون های دوستانه سیاسی خود را تشکیل دهیم.

خوشبختانه ساعت ده صبح روز جمعه همگی دوستان مرکب از آقایان میر - اشرفی، حائری زاده، مکی، بقائی، دکتر فاطمی، جلالی حضور بهم رسانیدند و مقارن همین اوقات هم آقایان دیش و بانو وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا و دکتر گرنی و خانم وابسته فرهنگی و ویلز و بانو مستشار مطبوعاتی و اطلاعات سفارت کبری بخصارک ورود نمودند و پس از اندکی گردش ناهار را در محیط دوستانه ای صرف نمود و اختصار پذیرائی بمن دادند. خوشبختانه چون همه مدعوین محترم از بنگاه رازی واقفا راضی بودند موضوع تشکیل کمیسیونهای سیاسی خود بخود منتفی گردید و پس از صرف ناهار بمعیت برادر خانم بن آقای دکتر کاره محاون و آقای دکتر عزیز رفیعی ریاست محترم بنگاه رازی موسسات مختلف حصارک را بازدید و تماشای نمودند.

مقارن غروب که قرار شد به تشریح مراجعت کنیم کمیسیون کوچکی تشکیل دادیم تقریباً همگی اظهار عقیده نمودند که ما مطالبات لازم برای تشکیل حزب قوی و موثر بمل آوردیم و چون آقای دکتر بقائی خود داوطلب میشدند چه ضروری دارد که ایشان را از همه جهت کمک و یاری نمائیم که اقدامات سیاسی حزب نموده هم ملت ایران را از دست یکمشت توده ای بیکانه پرست نجات دهند و هم دولت را مجبور بباطل از قانون اساسی و احترام بقوانین مسمومه نمایند.

... مسامی چلوکباب حصارک با اینچنانتم شد که شخص دکتر بقائی با اغوان و انصاری مطالباتی برای تشکیل حزب نموده و با کمک سازمان جوانان نظارت بر انتخابات جمعیت سیاسی تشکیل داده و جمعیت خود را پس از اتخاذ وابسته به جنبه ملی معرفی نماید.

بدینوسیله است این فکر لازم بود درجلسه علنی جنبه ملی طرح و مورد تصویب کلیه اعضای جنبه قرار گیرد ولسی بسیاری از آقایان هیئت موسس با هیئت مدیره جنبه ملی از اینکه اجزای خود را وابسته به جنبه ملی نشان دهند مخالف بودند و خصوصاً روزی این موضوع مورد بحث قرار گرفت و گفته شد که یکی از اعضای موسس جنبه ملی که با روزنامه خود در اجرای اهداف جنبه ملی بدون دریافت کوچکترین کمک و مساعدت از همکاران و معاضدت می نماید طرفدار شدید و جدی سیاست قوام السلطنه باشد و بیچوجه از طرفداری قوام السلطنه دست نکشیده است پس ما نباید بگوئیم حزب دموکرات آقای قوام السلطنه وابسته بجنبه ملی است یا آقای جلالی قائمی طرفدار آقای آصفیاضیاضی الدین رخط - شی خود را موافق با خطبشی سیاسی معظمه همین نموده و در روزنامه کشور پشتیبان میکند ولی این امر مستلزم آن نیست که حزب اراده ملی را وابسته بجنبه بشناسیم.

از این اعتراضات یکی از موسسین جنبه ملی پرسید که نه تنها گروه همی از پایه گذاران جنبه ملی از همان آغاز با سازمانهای چاسوسی آمریکا در ارتباط بوده اند، بلکه حتی تشکیل حزب زحمتکش مقادری دست بکار تأسیس حزب شوند تا مردم بقصد استفاده از نفوذ و قدرت برای انجام حوائج دنیوی خود می آید نمایند یا پول نقد بعد کافی در اختیار باشد تا بتوانند پهلوانان روغن نوجوانی را بقصوت درآورده با پول از زور و قدرت عضلات آنها استفاده نمود و در نظرات چشم دشمن را ترسانیده و در محافل با چاقو و چوب و سنگ آنان را از میدان بدر کرد و توضیح دادند با تهریتی که از عضویت در حزب دموکرات قوام السلطنه که در سایه همان حزب دست توده را بکلی باز کرد و باعث برگشت آذربایجان گردید (در آن موقع تا ایندرجه از قوام السلطنه فاصله نکرده بودند) و همچنین رفاقت بچوانان تحصیل کرده و مطلقاً که از حزب توده ایران اخراج شامند بخوبی ممکن است جزئی در ایران علم نمود و هم مقاصد مشروع خود را برآورده ساخت و هم به اسم خود را با توده ایها نقشه های سیاسی خود را ولو ضد دولتها باشد عملی ساخت.

چون وسائل تهیه چلوکباب در حصارک (کرج) مهیا نبود از روز قبل من موجبات پذیرائی را فراهم کرده و از مدعوین محترم تقاضا کردم برای اینکه روز جمعه و تعطیل را بیشتر دور هم باشیم و

منتقل شده بودند. این دوری نسبتاً طولانی از زندگی حاد سیاسی هم یکی از دلائل دیگر تقویت کننده این ارزیابی اشتباه آمیز درباره دکتر مصدق و هواداران صدیقش بود.

باید گفت که از همان آغاز فعالیت جنبه ملی، بین گروهی از فعالین حزب در خارج از زندان و افراد رهبری حزب در زندان، بر سر ارزیابی درباره دکتر مصدق اختلاف نظر پیدا شد، ولی بملت اعتبار و حیثیتی که برای رهبران زندانی در پیامد گرفتاری و محاکمات و دفاعیات و پایدارشان پیدا شده بود، و به آن علت که حزب نه تنها در دوران پیش از حکومت دکتر مصدق، بلکه حتی پس از روی کار آمدن دکتر مصدق از امکانات فعالیت و زندگی عادی محروم بود، این موضوع کمبختیهای درست فعالین حزب نتوانست ارزیابی نادرست رهبری حزب را، چه در زندان و چه برای مدت، پس از فرار از زندان، تغییر دهد.

## ۷ - درباره شعار ملی کردن صنایع نفت

پربایه همان دراضت، رهبری حزب توده ایران همه چیز جنبه ملی را با سوزن ارتباط با امپریالیسم آمریکا ارزیابی میکرد، و از آنجمله بود شعار ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور. مسلم بود که امپریالیسم آمریکا از دیرزمانی در تلاش بود که منابع تازه ای از نفت بدست آورد. هنوز صنایع عظیم نفت عربستان سعودی و ساحل جنوبی خلیج فارس در ابعاد کسوفی اکتشاف نشده بود. بر اساس همین گزارش بود که دولت آمریکا در سال ۱۳۲۲، با دولت مزدور و خائن ساعده راغاهی، با تأیید دولت انگلیس، برای انعقاد قراردادی برای اکتشاف بربره برداری نفت احتمالی موجود در مناطق وسیعی از ایران با دولت ایران وارد بند و بست - مخفیانه شد. تصویب این قرارداد برای اقدام متقابل اتحاد شوروی ختنی گردید، دکتر مصدق در نامه ای در این باره به سفیر اتحاد شوروی نوشته بود، ارزیابی زیرین را درباره مناسبات ایران و آمریکا و شوروی داده بود:

در جلسه ۱۹ مردادماه ۱۳۲۴ که باور ناگهانی دولت برای سؤال بعضی از نمایندگان راجع به مذاکرات امتیاز نفت با شرکتی آمریکائی به مجلس آمد، یکی از اعضاء فراکسیون توده چنین اظهار نمود:

"بنده و رفقای با دادن امتیاز به دولت - های خارجی بطور کلی مخالفیم. همان طور که ملت ایران توانست در آن خود را احداث کند، یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج نمائیم."

چون این بیانات مطابق فکر من بود، لازم دانستم در این باب، مطالعات عمیق کنم و از روی مدارک نظریات خود را مستلاً در مجلس بیان نمایم. بنابراین مشغول تهیه لایحه ای شدم برای اینکه هر وقت پیشنهاد امتیاز شرکتی آمریکائی در مجلس مطرح شود، از آن استفاده نمایم. خوشبختانه ورود جنسب آقای کافرانده به تهران منبب شد که داوطلبان آمریکائی از پیشنهاد خود صرف نظر کنند و فرصتی بدست نیامد که نظریات خود را در موضوع همان نفت ایران در مقام مخالفت با شرکتی آمریکائی بیان نمایم... و چون مستندم که اتحاد شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از منظره حیاتی نجات داده است، میل نداشتم تریبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس عنوانی بشود و اینچنان نظر مخالف نظریاتی اظهار نمایم. این بود که برای جلوگیری از چنین حادله ای، در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی، نطق خود را ایراد نمودم و برای اینکه راهی برای مذاکره باز شود، طرحی افشاء و خاطر نشان نمودم که مختار لفظی ما بدون اینکه امتیازی داده شود، مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد."

در آن دوران که شمار همه نیرو - های دیگر، در مبارزه ای که اوج می - بقیه در صفحه ۵

# اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید

# حزب توده ایران و دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۴

گرفت، دور دامپستی‌ها حقوق ملت‌ایران از شرکت نفت جنوب دور میزد، حزب توده ایران به لزوم کوتاه کردن دست غاصب شرکت نفت انگلیس از منابع نفت ایران تکیه میکرد و آنرا یگانگ راه قلمی قلمین حقوق ملی ما میدانست. واقیقت هم آنست که محتوی شمار کوتاه کردن دست غاصب شرکت نفت جنوب با ملی کردن منابع نفت در آن تاریخ عملاً یکی بود، زیرا همه ثروت‌های زیرزمینی استخراج شده در ایران بطور عادی در تملک دولت، یعنی ملی بودند. آنچه ملی نبود و ملی امتیازی به غارتگران انگلیسی واگذار شده بود، همان منابع و صنایع نفت جنوب، یعنی موضوع قرارداد داری بود، که بدست رضاخان و به کارگردانی تقی‌زاده، در سال ۱۹۳۳ تمدید و تأیید شده بود.

با داشتن آن سوابق درباره تلاش امپریالیست‌های آمریکایی برای تصاحب تمام نفت ایران و با «دم خروس‌های» عده‌ای از مومسین جبهه ملی در ارتباط با سفارت آمریکا، حزب توده ایران طرح شمار ملی شدن نفت در سراسر ایران را یک توطئه‌ای از برای کرد که هدفش پیدا کردن راه جدیدی برای واگذاری منابع نفتی سراسر ایران به انحصار هم نفتخوار آمریکایی بود. این اشتباه هم جزئی بود از اشتباه اساسی رهبری حزب درباره یکی دانستن جناح ملی جبهه ملی، یعنی دکتر مصدق و یارانش، با جناح آمریکایی جبهه ملی، یعنی بقائی، مکی، ملکی و عمیدی نوری و همه دارو دسته‌ای که بعداً به صفوف کودتایچیان ۲۸ مرداد پیوستند.

## ۸- تشکیل دولت دکتر مصدق

با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق و روشن شدن ویژگی‌های سیاست او، اختلاف نظر در رهبری حزب توده ایران در زمینه ارزیابی موقعیت پراهمیت دکتر مصدق شدید شد. در عین اینکه اکثریت هیئت اجرائیه، علیرغم واقیقت، لاجوابه در ارزیابی نادرست گذشته پانشاری می‌کرد، اقلیتی مصراغه خواستار تجدید نظر در آن ارزیابی نادرست و پشتیبانی از سیاست دکتر مصدق بود. ولی این برخورد، بر پایه لزوم رعایت اصول سازمانی حزب، که بر پایه تبعیت اقلیت از اکثریت قرار داشت، بازتابی خارج از رهبری پیدا نکرد.

اکثریت هیئت اجرائیه ارزیابی خود را بویژه بر اساس جنبه‌های ارتجاعی سیاست دکتر مصدق، پس از تشکیل دولت، پدید می‌کرد. واقیقت هم این بود که دکتر مصدق در زمینه سیاست داخلی و در زمینه مبارزه برای محدود کردن فعالیت‌های خرابکارانه امپریالیسم آمریکا، که رشته‌های مهمی از حیات سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران را با چاسوسان خود بنام کارشناسان نظامی اصل ۴ ترمون و غیره قبضه کرده بود، هیچگونه اقدامی نمی‌کرد.

دولت دکتر مصدق حزب توده ایران را زیر فشار غیرقانونی بودن تک‌پادشاهی بود و در همین حال میدان را برای فعالیت همه گروه‌های ضدانقلابی، مانند حزب آمریکایی زحمتکشان مظهر بقائی و خلیل ملکی، اسلام و همه گروه‌های دیگری که بنام اسلام تنها برای مبارزه علیه حزب توده ایران بوجود آمده بودند، مطلقاً باز گذاشته بود.

دولت دکتر مصدق، بسیاری مطمئن ساختن آمریکایی‌ها، کسانی از سرشناسان ترین چاسوسان آمریکایی مانند سرلشکر زاهدی و موسسین را در دولت خود راه داده بود و ارتش را در اختیار شاه مخلوع و چاسوسان آمریکایی باقی گذاشته بود. در مقابل این استدلال‌های اکثریت رهبری حزب توده ایران، اقلیت انپتور استدلال میکرد که با وجود این ضعف و جنبه‌های محافظه‌کارانه و سازشکارانه و اعتقاد مصدق به کمک آمریکا، او در مواضع صادقانه ضد امپریالیستی قرار گرفته و باید از این موضعگیری او، علیرغم همه ضعفها و کمبودهای سیاسی، پشتیبانی کرد.

این اختلاف بویژه در ارزیابی حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰ بشدت بروز کرد. اکثریت (۵ نفر از ۸ نفر) کشتار مردم را یک توطئه از طرف دکتر مصدق، که گویا درمصد سازش با امپریالیسم آمریکا و انگلیس بود، ارزیابی کرد و تمام‌حملات خود را علیه دکتر مصدق متوجه ساخت.

در حالیکه اقلیت رهبری (۳ نفر از ۵ نفر) عقیده داشت که این توطئه‌ای است از طرف دربار و امپریالیسم آمریکا علیه دکتر مصدق باهدف سرنگون ساختن او. این اختلاف نظر در ارزیابی نسبت به دکتر مصدق در میان افراد رهبری حزب درمجاورت هم وجود داشت و در آنجا هم اقلیتی در جهت تجدید نظر در ارزیابی نسبت به دکتر مصدق در برابر اکثریتی، که ارزیابی رسمی حزب را تأیید میکرد، قرار داشت.

تجربه درون‌دک ماباززات‌سالهایی ۳۰-۳۱ لازم بود تا آنکه اکثریت رهبری حزب توده ایران بالاخره در آستانه تدارک کودتای امپریالیستی شام-تو، در تیرماه ۱۳۳۱، به‌اشتباه خود پی‌برد و در جهت تصحیح موضعگیری حزب گام گذارد. در فاصله بین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و مرداد ۱۳۳۲، صرف‌نظر از برخی کمبوجا در آغاز این دوران، حزب توده ایران بر پشتیبانی خود از دکتر مصدق روز بروز می‌افزود، در عین اینکه ضعفی جدی سیاست او را در مقابله با ضد انقلاب، با سرسپردگان امپریالیسم، با پیگیری و بطور جدی تذکر می‌کردید. مسلم‌است که بلافاصله پس از شکست کودتای ۳۰ تیرماه شام - قسواء، امپریالیست‌ها ساکت ننشستند و با تمام قوا برای تدارک کودتای نظامی جدیدی دست پیکار شدند.

توطئه کودتای شهریورماه ۱۳۳۱ تنها برائتی پیدای حزب توده ایران، که با کمک شاخه افسری خود از توطئه خیرباد شده بود، خنثی نگردید. و این درحالی بود که دولت دکتر مصدق فشاروری حزب ما را پس از ۳۰ تیر بازم زیادتر کرده و روزنامه بسوی آینده، بملت افشاری علیه خیانت دربار پهلوی، توقیف شده بود. در ۱۶ شهریور ماه ۱۳۳۱، حزب توده ایران در روزنامه «دزم‌آوران»، که بجای «بسوی آینده» - که بملت افشاری در افشای گردانندگان توطئه ۳۰ تیر، یعنی دربار امپریالیست‌های انگلیس و آمریکایی، از طرف دولت مصدق توقیف شده بود - منتشر می‌کردید، توطئه کودتای دربار و ارتش را افشا کرد و نوشت: «طبق اطلاع موق در روز ۱۳ شهریور به گردان تندبوت و هاروارد و تپ شکاری دستور داده‌اند که هواپیماها را با مازیل لازم را بسته بندی کنند. پرسنل این هواپیماها نیز روز بعد تعیین و ۶ تندبوت و چهار هاریکن حاضر بعمل گردیده و از جهت تیراندازی و بمب آماده شده از تهران بسوی یکی از شهرستانها پرواز کرده‌اند تا در روز کودتا از دسترس مردم تهران خارج باشند و بتوانند بر فراز تهران پرواز نموده و مردم قهرمان تهران را بمباران کنند.»

همان روزنامه، روز بعد، خطاب به سربازان و افسران و درجه‌داران نوشت: «سربازان، گروه‌ها، درجه‌داران، افسران شرافتمند ارتش، اسلحه‌های را که در اختیار دارید، برای سرما و گرما نیست، برای این نیست که بفرمان دشمنان ملت برای سرکوبی فرزندان قهرمان و مین‌پرست پیکار روید، بلکه برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی و قلع و قمع و تاراج کردن دشمنان ملت ایران است. شما می‌توانید و باید توطئه کودتا را به جنگ ضد عمال کودتا متبدل سازید.»

دولت دکتر مصدق ابتدا این هشدار را با بی‌اعتنایی تلفی کرد. اما جریان حوادث درستی پیشگویی حزب توده ایران را تأیید کرد. سختکوی دولت، روز ۲۱ سرباه به‌اشاره به کشف توطئه کودتا اظهار داشت:

«چون گزارش‌هایی از عملیات سرلشکر بلژشتم عبدالصمیم حجازی و برادران رشیدیان رسیده بود که به میت آقای سرلشکر زاهدی و بعضی افراد دیگری که دارای مصونیت پارلمانی هستند، به نفع یک سفارت اجنبی مشغول توطئه و تفریح می‌باشند، نامبردگان که مصونیت پارلمانی نداشتند، امروز صبح از طرف فرمانداری نظامی بازداشت و به زندان شهربانی تحویل گردیدند.»

جلسات کودتایچیان در منزل سرلشکر زاهدی، با شرکت ۲ تن از سناتورها و چهار نماینده مجلس و عده‌ای از افسران ارتش، مانند سرلشکر حجازی، سرلیپ آریانا و دیگران تشکیل میشد. اینها با سفارت انگلیس و آمریکا در ارتباط مستقیم بودند. شاخه دیگر کودتایچیان با شرکت سید فنی‌عالدین طباطبائی سر-چاسوس امپریالیسم در ایران، علم، زاهدی و میدلتون، کاردار سفارت انگلیس در خانه سناتور خواجه‌نوری فعالیت می‌کرد.

با این توطئه‌ها علنی می‌گردید، هیچ وظیفه دیگری برای خود قائل نبودند جز اینکه پاک‌ک همان پستگاه جنینی دربار، درمجا اعضا عوهاداران حزب مارا، که در این مرحله پیگیری عوهاداران و پشتیبانان مواضع ضد - امپریالیستی دکتر مصدق بودند، شناسایی و از پستی‌های حساس برکنار کنند. روزنامه‌هایی که نظرات حزب را منعکس میکردند و توطئه‌های خیانت آمیز دربار را افشا مینمودند، یکی پس از دیگری بوسیله حکومت نظامی حزب مصدق توقیف میشدند. مبارزان حزب ما، که با پیگیری توطئه‌های دربار را فاش میکردند و میکوشیدند مردم را از خطر کودتا برحذر دارند، چه وراست بوسیله مامورین پلیس و فرمانداری نظامی، که اکثر از گماشتگان دربار بودند، بازداشت میشدند. گروه‌های وابسته به ضدانقلاب، مانند چاقو کشان حزب زحمتکشان بقائی، که داستان بوجود آمدن و هدفهایشان در ارتباط با سفارت آمریکا قبلاً یادآوری شده، نیروی سوسی‌های خلیل ملکی، سومکالیپا و چاقو کشان زورور سفارت آمریکا، یعنی همان پادشاهان شمشیر، کار دیگری نداشتند جز تحریک و بسیج علیه فعالیت سیاسی حزب توده ایران. تظاهرات حزب توده ایران، که همگی در جهت افشای توطئه‌های آمریکا و انگلیس و دربار بود، تقریباً بدون استثنا مورد تهاجم و دربار این پاندها قرار میگرفت.

حتی توطئه آشکار انگلیس - آمریکایی - درباری ۹ اسفند ۱۳۳۱ هم، که طی آن قتل‌رزیلانه دکتر مصدق و یاران باوقارش طرح ریزی شده بود، کافی نبود که دکتر مصدق را درباره خطری که من شخص او و هم مجموعه جنبش تاریخی ملت ایران زاهدی می‌کرد، درمجا ایمادش ارزیابی کند و از آن نتیجه‌گیری نماید. برای حزب ما، توطئه ۹ اسفند جدی‌ترین فاقوس خطر بود و ما دیگر تردید نداشتیم که جبهه متحد همه نیروهای دشمن تصمیم آخرین خود را گرفته و رها لطف باید در انتظار شریبه تازه‌ای بود. ارتباط عمل در این زمینه در دست امپریالیست‌ها کارگزاران ایشان بود.

## ۱۰- رویدادهای روزهای آخر مرداد ماه ۱۳۳۲ - کودتای مرداد ۲۸

پس از رویداد ۳۰ تیر، آخرین پیروزی ۹ اسفند ۱۳۳۱، بویژه پس از زدودن و قتل افشارطوس و اظهار سرپیچ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، آیزنهاور، عملیات را اطلاع دادند. ساعت ۱۰ شب روز ۲۴ مرداد ماه، سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که همان شب ساعت ۱۲ عملیات شروع خواهد شد. من فوراً از همان راه به دکتر مصدق اطلاع دادم و با عصبانیت به او گفتم که حرف مارا باور نکرده‌اید، این هم نتیجه‌اش. دکتر مصدق، البته با لحن دوستانه‌تر، سپاسگزاری کرد. من بازم همه پیشنهادهای شب پیش را برای دکتر مصدق تکرار کردم و از او خواش کردم موافقت کند که چند نفر از دوستان خود را برای حفاظت خانه او فرستد. او بازم از پذیرش این پیشنهاد سرباز زد. من به او پیشنهاد کردم که لازم است فرد مبارزی را به ریاست ستاد ارتش بکارم. ولی او نپذیرفت. ما با کمک سرهنگ میشری کوشش کردیم سر تریب ریاحی، رئیس ستاد، را پیدا کنیم و او را از جریان آگاه سازیم. مافکر می‌کردیم که او در این لحظات حساس کشته‌های معلوم شده که تیسار در منزل خود در شیران استراحت میکند، از او خواستیم که بلافاصله بشهر حرکت کند. همین امر باعث شد که کوی از خطر بازداشتی که همان شب از طرف کودتایچیان انجام گرفته بود، بچهد.

کودتایچیان ساعت ۱۱ شب دست بکار شدند و دکتر قاضی وزیر خارجه، سمنس حقتناس وزیر راه و سمنس زیرک زاده را بازداشت کردند و به سعدآباد بردند. همکاران کودتایچیان همه تلفنهای ستاد ارتش را بریده بودند.

ما از طرف دیگر توانستیم به ستوان شجاعیان، که خود در میان کودتایچیان بود، دستور دهیم که امرجه کنندگان به خانه دکتر مصدق راه که مامور ابلاغ عملیات کودتایچیان از نخست‌وزیری بازداشت او بودند، بازداشت کنند. بدینسان نیکباز دیگر توطئه کودتا تنها به کمک حزب توده ایران نفعیم ماند. ولی با کمال تأسف و بوسیله خاتم دکتر مصدق، دکتر راه‌یابی تلفن‌خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، بازم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب‌الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، بمناظر، باز هم سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و سمناسی برخی از افسران بالارته‌ای راه، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد. در میان این اسامی نام سر تریب دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق مورد اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتایچیان چنین است سر تریب دفتری، که شما به او اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستی‌های فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از ارتش و فرماندهی در میان افسران داریم که پستی‌های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستی‌های

## ۹- در آستانه کودتای مرداد ۲۸

توطئه ربودن و قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق، بوسیله پانده چاقو کشان آمریکایی و درباری با شرکت مظفر بقائی، سهند زاهدی بروشنی مشخص می‌کرد که کودتایچیان میکوشند اطراف مصدق را از کلیه عناصر پیکه برای آنان ناطق‌مشن بودند، خالی کنند.

این توطئه فاش شد و دقیقاً معلوم شد که چه پستی‌های در پشت آن بودند. عاملان مستقیم این جنایت بازداشت شدند. تمام درخواستها و فریاد های حزب ما فاش به محاکمه و مجازات شدید این چاقیان، که می‌توانست شریبه‌های جدی علیه سمناسی باشد، از طرف دکتر مصدق بر ما منع شده بود. در وقت تعیین ساعت عمل در ساعات نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد.

از همان منزل، من کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای اینکه مطمئن اورا به درستی بمدها خبر مطمئن سازم، همسر مریم، که بستگی و آشنائی با دکتر مصدق و خاتم دکتر مصدق داشت، به اندرونی تلفن کرد و خاتم را خواست و بوسیله خاتم دکتر مصدق، دکتر راه‌یابی تلفن‌خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، بازم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب‌الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، بمناظر، باز هم سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و سمناسی برخی از افسران بالارته‌ای راه، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد. در میان این اسامی نام سر تریب دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق مورد اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتایچیان چنین است سر تریب دفتری، که شما به او اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستی‌های فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از ارتش و فرماندهی در میان افسران داریم که پستی‌های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستی‌های

## ۹- در آستانه کودتای مرداد ۲۸

توطئه ربودن و قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق، بوسیله پانده چاقو کشان آمریکایی و درباری با شرکت مظفر بقائی، سهند زاهدی بروشنی مشخص می‌کرد که کودتایچیان میکوشند اطراف مصدق را از کلیه عناصر پیکه برای آنان ناطق‌مشن بودند، خالی کنند.

این توطئه فاش شد و دقیقاً معلوم شد که چه پستی‌های در پشت آن بودند. عاملان مستقیم این جنایت بازداشت شدند. تمام درخواستها و فریاد های حزب ما فاش به محاکمه و مجازات شدید این چاقیان، که می‌توانست شریبه‌های جدی علیه سمناسی باشد، از طرف دکتر مصدق بر ما منع شده بود. در وقت تعیین ساعت عمل در ساعات نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد.

از همان منزل، من کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای اینکه مطمئن اورا به درستی بمدها خبر مطمئن سازم، همسر مریم، که بستگی و آشنائی با دکتر مصدق و خاتم دکتر مصدق داشت، به اندرونی تلفن کرد و خاتم را خواست و بوسیله خاتم دکتر مصدق، دکتر راه‌یابی تلفن‌خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، بازم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب‌الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، بمناظر، باز هم سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و سمناسی برخی از افسران بالارته‌ای راه، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد. در میان این اسامی نام سر تریب دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق مورد اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتایچیان چنین است سر تریب دفتری، که شما به او اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستی‌های فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از ارتش و فرماندهی در میان افسران داریم که پستی‌های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستی‌های

## ۹- در آستانه کودتای مرداد ۲۸

توطئه ربودن و قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق، بوسیله پانده چاقو کشان آمریکایی و درباری با شرکت مظفر بقائی، سهند زاهدی بروشنی مشخص می‌کرد که کودتایچیان میکوشند اطراف مصدق را از کلیه عناصر پیکه برای آنان ناطق‌مشن بودند، خالی کنند.

این توطئه فاش شد و دقیقاً معلوم شد که چه پستی‌های در پشت آن بودند. عاملان مستقیم این جنایت بازداشت شدند. تمام درخواستها و فریاد های حزب ما فاش به محاکمه و مجازات شدید این چاقیان، که می‌توانست شریبه‌های جدی علیه سمناسی باشد، از طرف دکتر مصدق بر ما منع شده بود. در وقت تعیین ساعت عمل در ساعات نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد.

از همان منزل، من کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای اینکه مطمئن اورا به درستی بمدها خبر مطمئن سازم، همسر مریم، که بستگی و آشنائی با دکتر مصدق و خاتم دکتر مصدق داشت، به اندرونی تلفن کرد و خاتم را خواست و بوسیله خاتم دکتر مصدق، دکتر راه‌یابی تلفن‌خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، بازم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب‌الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، بمناظر، باز هم سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و سمناسی برخی از افسران بالارته‌ای راه، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد. در میان این اسامی نام سر تریب دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق مورد اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتایچیان چنین است سر تریب دفتری، که شما به او اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستی‌های فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از ارتش و فرماندهی در میان افسران داریم که پستی‌های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستی‌های

## ۹- در آستانه کودتای مرداد ۲۸

توطئه ربودن و قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق، بوسیله پانده چاقو کشان آمریکایی و درباری با شرکت مظفر بقائی، سهند زاهدی بروشنی مشخص می‌کرد که کودتایچیان میکوشند اطراف مصدق را از کلیه عناصر پیکه برای آنان ناطق‌مشن بودند، خالی کنند.

این توطئه فاش شد و دقیقاً معلوم شد که چه پستی‌های در پشت آن بودند. عاملان مستقیم این جنایت بازداشت شدند. تمام درخواستها و فریاد های حزب ما فاش به محاکمه و مجازات شدید این چاقیان، که می‌توانست شریبه‌های جدی علیه سمناسی باشد، از طرف دکتر مصدق بر ما منع شده بود. در وقت تعیین ساعت عمل در ساعات نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد.

از همان منزل، من کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای اینکه مطمئن اورا به درستی بمدها خبر مطمئن سازم، همسر مریم، که بستگی و آشنائی با دکتر مصدق و خاتم دکتر مصدق داشت، به اندرونی تلفن کرد و خاتم را خواست و بوسیله خاتم دکتر مصدق، دکتر راه‌یابی تلفن‌خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، بازم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب‌الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، بمناظر، باز هم سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و سمناسی برخی از افسران بالارته‌ای راه، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد. در میان این اسامی نام سر تریب دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق مورد اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتایچیان چنین است سر تریب دفتری، که شما به او اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستی‌های فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از ارتش و فرماندهی در میان افسران داریم که پستی‌های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستی‌های

## ۹- در آستانه کودتای مرداد ۲۸

توطئه ربودن و قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق، بوسیله پانده چاقو کشان آمریکایی و درباری با شرکت مظفر بقائی، سهند زاهدی بروشنی مشخص می‌کرد که کودتایچیان میکوشند اطراف مصدق را از کلیه عناصر پیکه برای آنان ناطق‌مشن بودند، خالی کنند.

این توطئه فاش شد و دقیقاً معلوم شد که چه پستی‌های در پشت آن بودند. عاملان مستقیم این جنایت بازداشت شدند. تمام درخواستها و فریاد های حزب ما فاش به محاکمه و مجازات شدید این چاقیان، که می‌توانست شریبه‌های جدی علیه سمناسی باشد، از طرف دکتر مصدق بر ما منع شده بود. در وقت تعیین ساعت عمل در ساعات نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد.

از همان منزل، من کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای اینکه مطمئن اورا به درستی بمدها خبر مطمئن سازم، همسر مریم، که بستگی و آشنائی با دکتر مصدق و خاتم دکتر مصدق داشت، به اندرونی تلفن کرد و خاتم را خواست و بوسیله خاتم دکتر مصدق، دکتر راه‌یابی تلفن‌خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، بازم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب‌الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، بمناظر، باز هم سرهنگ میشری بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و سمناسی برخی از افسران بالارته‌ای راه، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد. در میان این اسامی نام سر تریب دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق مورد اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتایچیان چنین است سر تریب دفتری، که شما به او اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستی‌های فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از ارتش و فرماندهی در میان افسران داریم که پستی‌های حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستی‌های

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود



# اخبار کارگری

## کارگران معدن خاک چینی زنوز هشدار می دهند

کارگران معدن خاک چینی زنوز (از توابع مرند) اخیراً ضمن نامه ای سرگشاده به امام خمینی تقاضا کرده اند که با خواست قانونی آنها موافقت شود. در این نامه کارگران خواستار حقوق استفاده از سرویس رفت و برگشت، شهادت و از جمله گفته اند: «در تمام مدت بیست سال گذشته ما کارگران، مسیر کوهستانی و صعب العبور زنوز - معدن را که حدود ۶ کیلومتر است پیاده طی کرده ایم... ما باید همه روزه حداقل از ساعت ۵/۵ صبح راه بیافتیم تا ساعت ۷ در معدن و سر کار حاضر باشیم. با توجه به اینکه سن اغلب ما کارگران ۳۵ سال به بالا است و در خیلی موارد نمی توانیم این راه را در زمانی کمتر از ۳ ساعت پیماییم، در نتیجه غیبت میکنیم و مورد انواع بازخواستها قرار میگیریم، و طبق مقررات هر کسی که ۱۵ دقیقه دیر برسد، بر کف داده میشود.»

کارگران در این نامه ضمن استناد از امام خمینی، یاد آور شده اند که مسئولین امور بیوسه وعده می دهند. کارگران اضافه میکنند که: «جوابهای سر خرمن به سبک طاغوتیان را چگونه بپذیریم؟»

### اخراج کارگران شرکت سارادل بهانه ای بیش نیست

شرکت سارادل که عهده دار احداث ساختمانی جهت رادیو تلویزیون مشهد است، اخیراً حدود ۵۰ نفر از کارگران را به بهانه راهی نبودن بودجه اخراج کرده است. این کارگران در رشته های قالب بندی، آرماتور بندی و بتن ریزی مشغول بکار بودند و اکثریت کارگران را تشکیل می دادند. کارگران طی نامه شکواییه ای به اداره کل امور اجتماعی خراسان، بهانه کارفرما را رد کرده اند.

## پاسخ کارگران بلور سازی پارس به کارفرما

کارفرمای بلور سازی پارس، طی نامه ای به سندیکای بلور - سازان و وزارت کار، از پایین بودن سطح تولید شکایت کرده و مسئولیت آن را متوجه کارگران دانسته است. کارگران بلور سازی در پاسخ به کارفرما نامه ای نوشته و دلایل پایین بودن تولید را این چنین توضیح داده اند:

- ۱- نبودن تصدیه سیار گرم کن - به این ترتیب هوای شیشه ها کم می شود و شیشه ها خود بخود می شکنند.
- ۲- کارفرما به عنوان واکنش دهنده این بالا رفتن دستمزدها، تعداد کارگران را به ازای هر دستگاه یک نفر کم کرده است.
- ۳- تعداد کارگرانی که روی کوره ها کار می کنند، کم است. نتیجه آن که پارکوره در بیشتر موارد پایین است.
- ۴- قطع برق، روزانه بمدت دو ساعت زنی اتور کارخانه نیز خراب بود و با قطع برق کارها می خوابید.
- ۵- فرسوده بودن وسایل کار از جمله خرابی قالبها - قالبها سالها کار کرده و فرسوده شده اند. این امر به ترک برداشتن قالبها و خرابی شیشه ها منجر می شود.
- ۶- دور بودن گرمخانه ثابت - قبلاً گرمخانه در نزدیکی دستگاهها بود و شیشه ها بلافاصله به گرمخانه منتقل می شدند، ولی فعلاً فاصله گرمخانه تا دستگاهها زیاد است و محصولات کارخانه تا به آن جا برسد، می شکنند.
- ۷- خرابی مشعل - این امر باعث تغییر رنگ کوره می شود و در نتیجه شیشه ها چند رنگ مختلف بخود می گیرند.

همانطور که از دلایل بالا برمی آید، علت پایین بودن سطح تولید و مرغوب نبودن آن، فرسودگی دستگاهها و وسایل کار از یک طرف و کمی تعداد کارگران از طرف دیگر است و نه کم کاری کارگران. کارفرما بجای استخدام تعداد بیشتری کارگر و بهبود وسایل کار، سعی میکند با فشار آوردن به کارگران تولید را بالا ببرد. کارگران می گویند: کارفرما نه حق دارد و نه می تواند تولید بیشتر را به قیمت جان کندن بیشتر کارگران در بهای دستگاهها تأمین کند. در حالی که خیل میلیونی کارگران بیکار در کشور وجود دارد. کارفرما ناگزیر است، علیرغم کتک زدن به کسب سود هر چه بیشتر، تعداد دیگری کارگر استخدام کند تا برخی از مشکلات کنونی کارخانه برطرف شود.

کارگران می گویند: «دوچون رادیو تلویزیون را دولت اداره می کند، بودجه آنهم وسیله دولت تأمین می گردد. بنابراین مسئله نبودن بودجه برای ادامه کار ما بهانه ای بیش نیست.»

## کمبود امکانات رفاهی و فرسودگی دستگاهها : مانعی در راه افزایش تولید

کارخانه روغن نباتی خسر در پیش از سی سال پیش در شهرستان ساری تأسیس شد. فعالیت تولیدی این کارخانه در قسمت پنبه پاک کنی، روغن کشی و سابون پزی متمرکز است که اولسه مصرنی، پنبه است که اساساً از کشت داخلی تأمین می شد.

در رژیم سابق مواد اولیه مورد نیاز برای تولید روغن از آمریکا و به قیمت گرانفروشی ۷۰ ریال خریداری می شد. در آن زمان اتحاد شوروی حاضر بود به بهای بسیار کمتری این نیاز را برطرف کند. ولی رژیم سرسبز شاه مخلوع بدون توجه به منافع کشور، ماده اولیه را گران می خرید و به قیمت کمتر به کارخانه می فروخت تا از این رهگذر گاو صندوقهای امپریالیسم آمریکا از این نمذ کلاهی بردارند.

چنین بود که کتک پنبه در داخل کشور بشدت کاهش یافت و در حال حاضر نیز فقط با خرید پنبه با قیمت ثابت و مناسب از کشاورزان این مشکل - البته تا حدی برطرف می شود، زیرا خرید محصول کشاورزان از طرف دولت، دست واسطه ها را کوتاه و از نوسان قیمت ها جلوگیری خواهد کرد. کارخانه خزر بسبب کمبود مواد اولیه بمدت ۷ ماه تمام نتوانست با ظرفیت کامل تولید کند و این در

## پیروزی کارگران کارخانه تولی پارس

در سالی که گذشت مدیر کارخانه تولی پارس (قزوین) خیال داشت عیدی کارگران را طبق ضوابط طاغوتی پرداخت کند کارگران نسبت به این حق کتبی اعتراض داشتند و به همین جهت ماه پیش بعنوان اعتراض در محوطه کارخانه اجتماع کردند. در این اجتماع یکی از کارگران خطاب به مدیر کارخانه گفت: «اگر قرار است پیماناموسات دولتی و خصوصی یکجا عیدی بدهند، چرا شما دوادنده روزان را با پیمان من خصی کسر میکنید و فقط پول هجده روز را پرداخت میکنید؟ شما هنوز پای بند مقررات ضد کارگری رژیم طاغوتی هستید.» خواستهای کارگران عبارت بود از:

- ۱- پرداخت یکماه عیدی،
- ۲- پرداخت یکماه پاداش،
- ۳- پرداخت سوپرویزه برای با آنچه که کارگران کارخانه تولی پارس مستحق البرز دریافت میکنند.

سرتیج مدیر کارخانه که با نیروی مشتعل کارگران مواجه شده بود، چاره ای جز تسلیم ندید و مجبور به موافقت گردید. کارگران در عمل ثابت کردند که تنها با پیروی اتحاد است که میتوانند موانع را از پیش پای خود بردارند. باین ترتیب کارگران تولی پارس یکبار دیگر با برخورد اصولی و قاطع خود شاهد پیروزی را در آغوش کشیدند.

زمانی است که کمبود روغن در بازار داخلی بشدت وجود دارد. در این کارخانه نزدیک به ۱۰۰ کارگر کار می کنند، که هر یک چندین سال و در مواردی تا ۲۰ سال سابقه کار دارند. پیش از انقلاب حداکثر دستمزدها به آنان برابر ۱۰۰۰ تومان بود. اکنون با احتساب مزایای از قبیل حق اولاد و مسکن، حداکثر دستمزده به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافته است. دستگاهها و ماشین آلات کارخانه بسیار کهنه و فرسوده اند. ولی کارگران با همه دشواری ها حاجم

## حزب توده ایران و دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۵

پانزدهمین صدمه زیادی، ارتباطات حزب ما، که به علت مخفی بودن تنب بانی و در خیابانها بود، وارد آمد. باشکست کودتای ۲۵ مرداد، ستاد کودتاجان درهبر یافتند زاهدی - به سفارت آمریکا انتقال یافتند و اقدامات کودتاجان از پرتو دید هواداران حزب ما در ارتش خارج گردید. در همین اینکه مامیدانستیم که حتی کودتا دو مرتبه شروع خواهد شد، ولی دیگر نتوانستیم خبر بگیریم که کودتا از کجا و در چه لفظه و بجه صورت شروع خواهد شد. دستگاه رهبری و مطول ستاد ارتش، شهربانی و افراد وابسته به جبهه ملی، که همه مقامات مهم لشکری و کشوری را در دست داشتند، مثل اینکه در مورد توطئه های کودتاجان همه کورکور و لال شده بودند. تنها خبری که ۲۷ مرداد، شب هنگام از محافل کودتاجان بدست ما رسید، این بود که کودتاجان، پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد در تهران و قرار شاه مخلوع، میخواستند نقشه ای را که همیشه پنهان جانشین کودتا داشتند بمورد اجرا گذارند و دولت زاهدی را در خوزستان علم کنند و آمریکا آنرا برسمیت بشناسد.

مقدمه اینکه هر روز ۲۶ مرداد انجام یافته بود. هتدرسن، که پس از گرفتن تملیحات باصلبه به ایران مراجعت کرد، چندین دکتر مصدق رفت و به او کمال و قناعت ابلاغ داد: دولت آمریکا دیگر نمیتواند حکومت ایرانا برسمیت بشناسد و میتوان یک نخستوزیر قانونی با او ملاحظه کنند. هتدرسن رسماً بدکتر مصدق اعلام داشت که: آمریکا با تمام لوا از ادامه حکومت او جلوگیری خواهد کرد و به او پیشنهاد کرد که کناره گیری کند. از طرف دیگر هتدرسن رسماً به گروه کودتاجان اطلاع داد که آمریکا دولت زاهدی را دولت قانونی ایران میشناسد. برای ما مسلم بود که آمریکا اگر نتواند در تهران به تغییر دولت مصدق موفق شود، مرکز ثقل تحریکات را به خوزستان خواهد برد. ما تردید نداریم که در صورت عدم موفقیت توطئه ۲۸ مرداد، این نقشه عملی میشد. در مجموع این شرایط بود که صبح روز ۲۸ مرداد، ما از حرکت او پیش و فواعت در شهر باخبر شدیم. خبر رسید که پاسانیا و مامورین فرمانداری نظامی از آنها پشتیبانی میکنند. اولین فکر ما این بود که باید با این جریان مقابله کنیم. ولی با توجه بدستور روز گذشته بدکتر مصدق دایر بر سر کوبی نظارات سندر درباری و با عمل رخصتیه فرمانداری نظامی و پلیس، قرار شد فوراً بدکتر مصدق تماس گرفته شود. من بدکتر مصدق از همان راه هیشگی تماس گرفتم و به او گفتم: «بنظر ما این جریان، مانند ۹ اسفند،

## ۱۱ - افسانه نیرومندی سازمان افسری حزب توده ایران

دکتر مصدق تجویز کنیم. ولی تا مابین خیرا به شبکه حزبی برسانیم، شبکه ای که در نتیجه توقیفهای روز ۲۷ مرداد و تصمیم قبلی، ارتباطش بپیمان زیادی پاره شده بود، خیر رسید که مقاومت خاله صدق پایان یافته و سرهنگ ممتاز تیر خورده و شایعه وارد عمل شدن واحدهای نظامی هوادار مصدق دروغ بوده است. فرار بدکتر مصدق و اینکه او بدکتر فاطمی جان سالم بدر برده اند، برای ما امیدبخش بود و مسمم شدید با تمام نیرو برای تجویز مقاومت مرد هوادار عمل شدیم. ولی خیر تسلیم بدکتر مصدق و عدم آمادگی جبهه ملی بپیشگیری از مقاومت، حزب مارادرسخته مبارزه با کودتاجان بکلی تنها گذاشت.

در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر ما خبر رسید که واحدهای منظم ارتش به هواداری از کودتاجان در گوشه های شهر وارد عمل شده اند. ما که هر لحظه منتظر بودیم که نیروهای وفادار به بدکتر مصدق در ارتش وارد عمل شوند، بازم بدکتر مصدق تماس گرفتیم. این بار او ما گفت که: «آقا، همه یمن خیانت کرده اند... شش اگرم کاری از دستت بر نمی آید، بکنید. یا شما بوفتنه همین برشته خورده، هر طور صلاح میدانید، عمل کنید.»

در پاسخ خواست مرم من که لااقل بیایم به مردم بفرستید و کمک بخواید، تلفن قطع شد و ما دیگر نتوانستیم با او تماس بگیریم. برای رهبری حزب، که همه در همان محل کتبه ایالتی تهران جمع شده بودند، بدزاین لفظه، با گفتار بدکتر مصدق، که همه به او خیانت کرده اند، معلوم شد که تمام واحدهای مهم نظامی، که فرماندهان کرده و به کودتاجان پیوسته اند، حقیقت هم این بود که کوچکترین مقاومتی از طرف افسران هوادار مصدق در واحدها، که اگر آستپهای فرماندهی را در دست داشتند، انجام نشد. در نتیجه مسلم بود که هرگونه عمل جداگانه حزب ما، در مقابل چنین نیروی مسلطی، بدون حتی همکاری اسمی بدکتر مصدق، تنها با یک قتلعام پایان خواهد یافت. بر این پایه بود که رهبری گسترش یافته حزب، ابتدا با تردید برخی از رزقا، ولی بالاخره با اتفاق آراء تصمیم گرفت که سازمان حزبی را از زیر اولین ضربه های خرد کننده کودتاجان مسلط شده و خوشخوار درآورد. کمی بعد از ابلاغ این تصمیم و متفرق شدن رفقای مسئول، ما خیر رسید که در خانه بدکتر مصدق مبارزه بدرگیر شده است و رمدافسان خانه مصدق دفاع میکنند. همراه با این خبر، این شایعه هم ما رسید که واحدهای نظامی هوادار بدکتر مصدق وارد عمل شده و بقطابه با کودتاجان برداشته اند. ما فوراً تصمیم گرفتیم که باید همه نیروها را برای حمایت از مدافسان خانه بدکتر مصدق و به تیاری واحدهای هوادار

## آچه من در باره تصمیمات هیئت اجراییه

در زمینه لزوم تدارک مقاومت مسلحانه در برابر کودتای احتمالی بناظر حارم، اینست که، پس از رویداد ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بعد از آشناسدن تدارک کودتای امیکالی - ددباری آخر شهریور ۱۳۳۱، دیگر مسلم بود که امپریالیست های امیکالی و انگلیسی، به کارگرانی ددبار پهلوی و همه نیروهای سرسپرده به آنان و بدست ارتش، شهربانی و ژاندارمری و اوپاش، در تدارک سرنگون کردن بدکتر مصدق هستند. مسئله اساسی برای رهبری حزب عبارت بود از ایجاد و تحکیم جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضد امپریالیستی و در درجه اول از نیروهای وفادار به بدکتر مصدق و نیروهای حزب توده ایران. همانطور که میدانیم تمامی تلاشهای حزب ما در این راه، که پس از رویداد ۳۰ تیر هوادار جدی تر میشد، بر اثر ابتناع بدکتر مصدق و هوادارانش از یکسو و خرابکاری آگاهانه گروههای وابسته به امپریالیسم آمریکا و ددبار در ددون جبهه ملی، یعنی گروه محظرف بقالی و تحلیل ملکی از سوی دیگر، بی نتیجه ماند. نظر حزب ما این بود که تنها در صورت بوجود آمدن چنین جبهه ای میتوان همه نیروهای ضد امپریالیستی خلق را در برابر توطئه های روزافزون دشمنان تجویز کرد. بموازات این خط اساسی، در رهبری حزب این مطلب هم مورد بحث و ملاحظه قرار گرفت، که با در نظر گرفتن اینکه مرکز اصلی تدارک کودتا در ارتش و سایر نیروهای مسلح خواهد بود، حزب باید برای مقابله با کودتا در فکر تدارک وسائل فنی و حداقل سلاح باشد. در این باره تصمیماتی گرفته شد. بولی پرس راه عملی کردن این تصمیم یک مانع سیاسی بزرگ و چسبند داشت. امپریالیستها و راستین ضد امپریالیستی و ضد امپریالیسم، که از بدکتر مصدق پشتیبانی میکردند، بزرگترین ضربه را به نقشه جتایتکارانه آنها وارد خواهد ساخت، تمام تلاش خود را در این زمینه متمرکز کرده بودند که - درست همانطور که امروز شاهدیم - صتیبه ددزیر برجم ددوین و خطر کلوسیتسه، حلقه های شوروی برای رسیدن به آبهای گرمه و نظایر آنها، نیروهای ملی گرا را در موضعه دشمنانه بسلخ شد و منضیانه حزب توده ایران ویا سازمان مخفی کار دیگر - در صورتیکه گروهی از ضالیقتان بدزاین زمینه رو میشد - نمیتوانست بصورت عاملی شدیداً مخفی در جریان تلاش حزب بمنظور: تشکیل جبهه متحد اثر بگذارد.

۱- دادیار و ۳ استاد	۲۹	۳۲
۲- اکثر در کارخانه تملیحات	۷	۲۵
۳- اکثر مالی، اداری، قضائی، پاربری	۹	۲۵
۴- اکثر ادعائی، اطلاعات و اداری	۱۷	۸۰
	۲	۱۷
	۲۵	۳۱
	۲۳	۳۱
	۲۲	۳۷
	۱۵	۲۷
	۳۱	۳۶
	۵۲	۵۲
	۹	۱۶
	۲۳۳	۲۲۹

# اخبار دهقانی

## گروه کشای مشکلات روستاها

در تاریخ ۵۸،۱۱،۱۵ یعنی يك هفته بعد از تصویب قانون اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، یکی از کارگزارانی که با دم دزآباد و زمین تملک دارد، به نامه مردم نوشت: «نمونه‌ای از سیاست ضد ملی و ضد دهقانی اصلاحات ارضی شاه مخلوع را میتوان در روستای دزآباد ورامین مشاهده کرد. در حالیکه فرادی در این روستا زمینهای پهنابوری را قبضه کرده‌اند، بقیه اهالی زمین در اختیار نداشته و مجبورند برای ادامه زندگی خود و عائله‌شان از زمینداران بزرگ زمین اجاره کنند.»

وی اضافه میکند: «در این روستا شش برادر، که خود هیچکدام کشاورز نیستند، مجموعاً صاحب حدود ۲۵۰ هکتار زمین میباشند و کشاورزان بزمین مجبورند برای کشت از آنها زمین اجاره کنند. فرد دیگری در دزآباد صاحب حدود ۱۵۰ هکتار زمین میباشد.»

این کارگر می‌افزاید: «بعد از مطرح شدن امر اصلاحات ارضی عمیق در کشور، این عده میکوشند هرچه زودتر زمینها را به قیمتی گزاف به دهقانان تبدیلست بفرستند و یا با شیوه‌های دیگر زمینهای خود را حفظ کنند.»

بدین ترتیب ضرورت کوتاه کردن دست مالکان بزرگ و اجرای اصلاحات ارضی واقعی بود دهقانان بزمین و کهنین را در هر دو بخش روستایی از کشور مایه‌توان مشاهده کرد.

گروه کشای بسیاری از مشکلات روستا و کلید اصلی رونق اقتصاد کشاورزی ما همین است. دهقانان بدردستی از انقلاب و از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که هرچه زودتر وقایع قانون مسووبه شورای انقلاب را اجرا کنند و حق را به‌حق‌دار و زمین رابه دهقانان برسانند و کمک لازم را برای تهیه مسائل کشت و تولید در اختیار آنان قرار دهند.

## اجرای قانون اصلاحات ارضی خواست دهقانان و عدم اجرای آن بنفع ضد انقلاب است.

روستای گردلان از توابع بخش خورموج است. این روستا ۳۵ خانوار و ۱۷۰ نفر جمعیت دارد. اکثر مردم کشاورز و دامدارند. در اطراف ده مراتع وسیعی وجود دارد، که چراگاه احشام است. مالک ده، ملک‌خان صالح احمدی است که دارای دهها هکتار زمین غله‌کار و سه تا چهار هزار اصله درخت خرما است. دهقانان، که سالها روی زمین مالک کار کرده‌اند، فقط نصف سهم را می‌برند. زمینهای اطراف ده نیز هر ساله توسط خن به‌عشایر دامپرور اجاره داده می‌شود.

بعد از انقلاب، دهقانان خواهان تقسیم زمینهای قابل کشت و مراتع می‌شوند. خان به‌خواست آنها وقتی نگذاشته و همچنان به آزار و اذیت روستائیان می‌پرداخت. روستائیان دستجمعی به پاسگاه ژاندارمری سنا و گروهان ژاندارمری خورموج و دادگاه شهرستان بوشهر و دادگاه انقلاب شکایت می‌کنند، ولی به‌کارشان رسیدگی نمی‌شود. دهقانان با خانواده‌هایشان ناچار برای تصحیح به بوشهر می‌روند و خواهان دستگیری و محاکمه رئیس پاسگاه می‌گردند.

باتوجه به رجوع دهقانان به دادگاه، دهقانان بعد از ۸ روز، تصحیح خود را می‌کنند، ولی کماکان در شسب مانده‌اند و منتظر اجرای خواسته‌های خود هستند.

بن‌توجه به خواست برحق دهقانان، عدم اجرای اصول انقلابی قانون اصلاحات ارضی است که به تصویب شورای انقلاب رسیده است و عدم قاطعیت در اجرای این اصول، تنها بنفع ضد انقلاب و عمال آن است.

# در جهان سوسیالیسم چه میگذرد

## گسترش فعالیت ساختمانی در منولستان

در مراکز صنعتی منولستان فعالیت ساختمانی بسیار پیشرفت یافته است. در زمینه خانه‌سازی، قرار است یکمک کارخانه‌سازی شوروی رکورد ۱۰۲۷۰۰ هکتار مربع سال پیش، امسال شکسته شود. هر چند در پایان برنامه پنج‌ساله جاری، نزدیک به صد هزار خانواده منولی صاحب‌خانه نوساز خواهند گشت، بعلمت توسعه روز افزون شهرهای صنعتی، بویژه دارخان، اردنت و اولان باتور، و روی آوردن گسترده نیروی کار به شهرها، هنوز بسیاری از خانواده‌های جوان در انتظار مسکن مستقل هستند.

در تصویبنامه مشترک کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق منولستان، و دولت جمهوری توده‌ای منولستان که چندین پیش‌منتشر شده، آمده است:

«باید سازمان‌کار را در صنایع ساختمانی تکمیل بخشید، از ذخیره‌های داخلی، از جمله در زمینه بهره‌برداری از ماشین‌ها و دیگر تجهیزات، بهتر استفاده‌جست و در راه افزایش محسوس بارآوری کار کوشا بود.»

در تصویب‌نامه حزب و دولت تاکید می‌شود که برای حل مسئله مسکن لازم است بهترین تجربیات کشورهای سوسیالیستی برادردا پیگیری و بکاربرد.

## کمک برادرانه کوبا به خلقهای آمریکای لاتین

«جزیره جوانان» کوبا به صحنه همبستگی فلالانه نخستین کشور سوسیالیستی قاره آمریکا با خلق‌های ازبند رسته آفریقا و آمریکای لاتین تبدیل شده‌است. برای نمونه، اکنون بیش از ۵۷۹ دختر و پسر نیکاراکوهای در این جزیره آموزش می‌بینند. والدو کاریدو پروز، مدیر دبستان روستایی «جزیره جوانان»، می‌گوید:

«دانش‌آموزان پیوسته تاکید میکنند، که در اینجا به آنها خوش می‌گذرد. اما هر یک از آنها خاطراتی بس تلخ از مبارزات و تهاجمات مزدوران سوموزا بیاد دارد و میدانند گرسنگی چیست.»

دانش‌آموزان نیکاراکوهای پس از پایان کلاس نهم و یا دوازدهم به کشور خود، که ۶۵ درصد سکنه، بالغ آن بیسواد است، بازخواهند گشت.

فزون بر این، ۵۷ نیکاراکوهای در مدارس حرس‌فای و دانشگاه‌های کوبا به تحصیل در رشته‌های اقتصاد، کشاورزی و پزشکی مشغولند.

در مسایکی کسودکن نیکاراکو، ۵۰۹ دختر و پس از جمهوری توده‌ای موزامبیک در مدرسه «ادواردو موندلین» درس می‌خوانند. ۳۴۷ کودک نیکاراکران نامیبیا نیز در مدرسه‌ای شبانه‌روزی، نزدیک سد «ویتنام» همان، سواد می‌آموزند.

## برای شهیدان حزب و جنبش

«نامه مردم» در نظر دارد عکس‌های تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت نئکین و منفورخاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا می‌شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. **باسپاس - نامه مردم»**

## موافقت‌نامه نظامی جدید آمریکا در ترکیه امضا شد

دولت سلیمان دمیرل، نخست‌وزیر ترکیه، برغم اعتراضات مردم این کشور، موافقت‌نامه نظامی جدید با آمریکا را امضا کرد. بموجب این موافقت‌نامه آمریکا میتواند از ۲۶ پایگاه نظامی و جاسوسی در ترکیه استفاده کند. بدین ترتیب خاک ترکیه به پایگاه عمده آمریکا برای تجاوز و تحریک علیه خلق‌های منطقه تبدیل شده است. آمریکا همچنین با استفاده از چند پایگاه جاسوسی خود در ترکیه علیه اتحاد شوروی دست به جاسوسی می‌زند.

اقدام دولت ترکیه که بیش از پیش کشور را به دامان امپریالیسم آمریکا انداخته است. خشم محافل ترقیخواه ترکیه را برانگیخته است. این محافل، با توجه به وضع فلاکت‌بار مردم عقیده دارند که این قبیل اقدامات میتواند امپریالیسم را در غارت هر چه بیشتر کشور جری‌تر کند.

## دبیر کل سازمان همبستگی آسیا - آفریقا امپریالیستها را محکوم کرد

به ابتکار سازمان همبستگی آسیا - آفریقا کنفرانس مبارزه با پایگاه‌های خارجی در مدیترانه، درولانا، پایتخت مالت تشکیل شد. معاون این سازمان در نطق خود تشدیدمسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه را که، بوسیله امپریالیسم آمریکا دامن‌زده میشود، محکوم کرد و یادآور شد که رهبران چین در این اقدام‌ها همدست آمریکا شده‌اند.

از سوی دیگر دبیر کل سازمان همبستگی آسیا - آفریقا در مصاحبه‌ای گفت که مردم آسیا و آفریقا خواهان صلح‌اند و طرح‌های امپریالیستها را محکوم میکنند.

وی گفت که میل‌تاریست‌های امریکایی می‌خواهند برای جبران شکست‌های شدید چندسال گذشته، از رویدادهای افغانستان برای توطئه و تحریک استفاده کنند.

دبیر کل سازمان همبستگی آسیا - آفریقا گفت که این سازمان تلاش میکند امریکایی‌ها را محکوم کند و در مدیترانه خانه و به تحریک پایان دهد.

## تحریکات آمریکا و چین علیه کشورهای هندوچین ادامه دارد

جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرده که آمریکا و چین کماکان به تحریکات خود علیه کشورهای هند و چین ادامه میدهند. سخنگوی وزارت خارجه ویتنام در مصاحبه‌ای با خبرنگاری این کشور یادآور شد که آمریکا برای پاندهای پول‌پوش - ینگه ساری در تایلند اسلحه ارسال میدارد و در عین حال تلاش دارد که کشورهای عضو اتحادیه آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) را علیه کشورهای هند و چین تحریک کند.

سخنگوی وزارت خارجه ویتنام یادآور شد که رهبران چین همچنان سوادی تسلط برهند و چین را درس می‌پروانند.

## سومالی به پایگاه نظامی آمریکا بدل شده است

تلاش‌های امپریالیسم آمریکا برای حفظ مواضع غارتگرانه خود در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس شدت گرفته است. در ارتباط با این تلاش‌ها، زیاد باره، رهبر سومالی اعلام کرده که این کشور موافقت کرده است پایگاه‌های هوایی و دریایی خود را در اختیار آمریکا قرار دهد.

از سال پیش آشکار بود که امپریالیسم آمریکا توانسته است موافقت رژیم‌های سرسپرده‌ای مانند سومالی و عمان را برای استفاده از پایگاه‌های آنان بدست آورد، اما مقام‌های سومالی تاکنون پشیمانانه اعطای این پایگاه‌ها را به آمریکا تکذیب میکردند. اما اکنون حقایق بقدری آشکار شده است که دیگر انزهد تکذیب این اقدامات خائنه برنمی‌آیند. در ارتباط با موافقت رژیم سومالی، خبرنگاری اتیوپی گزارش داد که صدها نظامی آمریکایی راهی سومالی شده‌اند. خبرنگاری اتیوپی توجه کشورهای جهان را به تحریکات آمریکا در سومالی جلب کرده است.



## امریکا در گواتمالا نیز با گسترش قیام خلق روبروست

گزارش رسیده از گواتمالا نشان میدهد که نیروهای ارتجاعی دست راستی با حمایت رژیم سرسپرده این کشور، که بوسیله امپریالیسم آمریکا به خلق تحمیل شده‌است، در دوام گذشته‌بست تن راکتند. از جمله یک استاد دانشگاه بوسله ارتجاع و قتل رسیده‌است.

امریکا و گواتمالا نیز مانند السالوادور با گسترش قیام خلق روبرو است. امریکا تصمیم گرفته است که بطور غیر مستقیم و از طریق اسرائیل سلاح‌های لازم را در اختیار سرسپردگان خود در گواتمالا قرار دهد.

## امریکا و چین میخواهند از ساختمان جامعه نوین در افغانستان جلوگیری کنند

سلطان علی کشتمند، معاون نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان، گفت که هدف عمده خلق کشور صلح و ترقی اجتماعی است. وی یادآور شد که امپریالیسم امریکایی و چین میخواهند از ساختمان جامعه نوین در افغانستان جلوگیری کنند و بدینجهت در خاک پاکستان ضد انقلابیون را برای خرابکاری در افغانستان آموزش میدهند اما این توطئه‌ها با شکست روبرو میشوند.

از سوی دیگر وزیر کشور افغانستان ادعاهای خبرنگاری‌های غربی را، که از پیشاوره، به نقل از محافل آگاه، «مسافران» اعلام کرده بودند چند روز پیش در شهر کابل ناآرامی‌هایی مشاهده شده است، کذب محض خواند و گفت که این خبرنگاریها آرزوهای خود را واقعیت جلوه میدهند.

## در مطبوعات کشور

**جوادنوشین: چرا گازها باید بسوزند؟!**

وقتی از زبان وزیر نفت و سخنگوی وزارت نفت در روزنامه‌ها خوانند که گازها را میسوزانیم، ولی به قیمت کم به اتحاد شوروی نمی‌دهیم، بیاد ماجرای تفکرات ضدانسانی و ضدبشری استعمارگران آمریکایی اتانم که سالانه میلیاردها دلار نفت از آن سرزمین، قسمت اعظم گازهای حاصله را می‌سوزاند. (همان کاری که سالها و سالها در ایران و با دست نوکران داخلی انجام داد) استعمار، حتی این کشور عقب‌مانده قرون وسطایی را از داشتن رابطه سیاسی و اقتصادی که عرف تمام کشور-های عضو جامعه ملل متحد است، برحذر داشت تا مبادا قسمتی از گازهای سوخته شده به مصرف سوخت در آتشخانه پایبامستان و کارگاه یک کشور سوسیالیستی برسد. حالا اگر مسئولین وزارت نفت ایران، از نظر ایدئولوژی یا کشورهای سوسیالیستی در تفاد

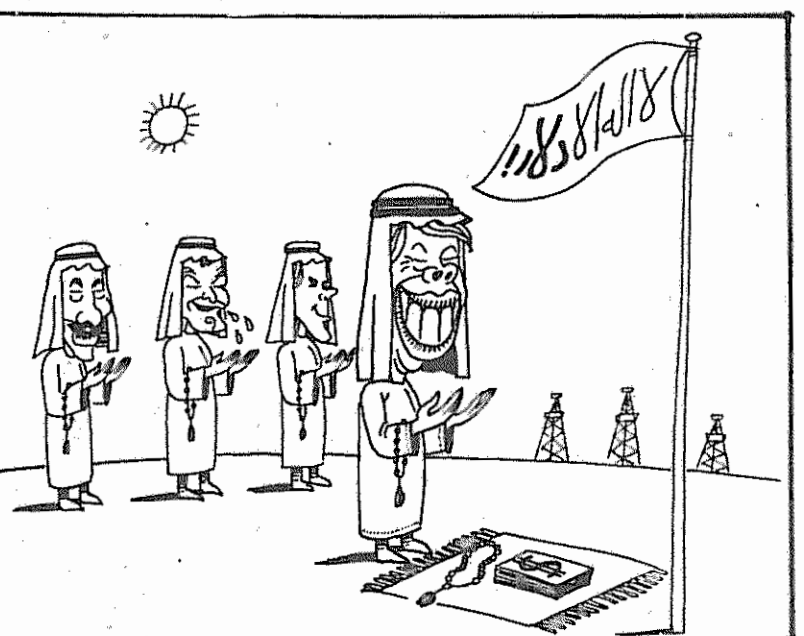
## نیروهای انقلابی نیازی به عوامفریبی ندارند

آری این چنین است که برای وابسگرایان و سرمایه‌داران این روزها سئله قدرت در يك جمله خلاصه می‌شود: دیا امروز یا هرگز. آنها خوب حس می‌کنند که گذشت زمان به نفع آنها نیست. بیداری طبقه کارگر و سایر زحمتکشان پایه‌های قدرت انحصارطلبانه‌ای آنها را تهدید می‌کند. بنا بر این باید از فرصتی که به دستشان افتاده با هر شیوه‌ای برای تثبیت خودشان استفاده کنند. واقعیت‌ها را وارونه جلوه دهند، آزادی‌ها را هر چه محدودتر کنند و عندالزوم پای چماق و زور را به میان بکشند. برعکس، نیروهای انقلابی هرگز از آینده وحشت ندارند، آگاه شدن مردم به نفع آنهاست چون چرخش چرخ‌های تاریخ آنها را تایید می‌کند. آنها مجبور نیستند و نمی‌خواهند میدان فعالیت دیگران را محدود کنند، چرا که می‌دانند در دادگاه قضاوت توده‌ها محکوم نمی‌شوند، چون مدافع واقعی منافع زحمتکشان هستند. حرف‌هایشان به دل مردم می‌نشیند چون از فطرت تاریخ و خواست مردم نشأت می‌گیرد. نیروهای انقلابی احتیاجی به دروغگوئی، ترویج و عوام‌فریبی ندارند، چرا که واقعیت‌ها به نفع آنهاست. به همین دلیل مجاهدین خواستار آفضای کلیه روابط، پرورده‌ها و شبکه‌های ساواک و سیا بوده و هستند. و می‌دانند که در دادگاه خلق برنده واقعی خواهند بود.

هستند، تصویر گازهای استخراجی ما از چاه‌های نفت جنوب چیست؟ چرا وزارت نفت این گازها را می‌خواهد بسوزاند و به قیمت عادلانه به یک کشور غیر سوسیالیست که خریدار آنها باشد، نهدد و اصولاً چرا باید آن همه گاز استخراج شود تا مسئولین وزارت نفت تا سیات گاز، قادر به جمع‌آوری همه آنها نباشند؟ آیا در چنین شرایطی نمی‌توان این گازهای سوخته و بادامی‌زنده‌بگور شده در کشورهای امپریالیستی مقایسه کرد؟ البته در این زمینه، گفتنی زیاد است و من بر حسب وظیفه که اطلاعاتی در زمینه صنعت گاز در ایران دارم، ناگزیر به ذکر این مطالب برای آگاهی عموم مردم زحمتکش و رنج‌کشیده ایران شدم. (اطلاعات، ۱۰ فروردین)

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

هستند، تصویر گازهای استخراجی ما از چاه‌های نفت جنوب چیست؟ چرا وزارت نفت این گازها را می‌خواهد بسوزاند و به قیمت عادلانه به یک کشور غیر سوسیالیست که خریدار آنها باشد، نهدد و اصولاً چرا باید آن همه گاز استخراج شود تا مسئولین وزارت نفت تا سیات گاز، قادر به جمع‌آوری همه آنها نباشند؟ آیا در چنین شرایطی نمی‌توان این گازهای سوخته و بادامی‌زنده‌بگور شده در کشورهای امپریالیستی مقایسه کرد؟ البته در این زمینه، گفتنی زیاد است و من بر حسب وظیفه که اطلاعاتی در زمینه صنعت گاز در ایران دارم، ناگزیر به ذکر این مطالب برای آگاهی عموم مردم زحمتکش و رنج‌کشیده ایران شدم. (اطلاعات، ۱۰ فروردین)



● آمریکا که در جنگ گروگانها و تحریم اقتصادی مغلوب ایران شده، ترویج اسلام آمریکایی را هدف قرار داده‌است.

● کسانی که در حوزه علمیه «سیاه» تحصیل علوم مذهبی میکنند به ملکوت اعلی نخواهند رفت.

● اسلام آمریکایی، بیشتر به «مافیاء» شباهت دارد.

(کبهان، ۱۱ فروردین)

**برای شهیدان حزب و جنبش**

«نامه مردم» در نظر دارد عکس‌های تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت نئکین و منفورخاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا می‌شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «نامه مردم» مراجعه کنند. **باسپاس - نامه مردم»**

**یکشنبه‌ها: «نامه مردم» بزبان کردی**

هوولتان کرد مقیم تهران منتشر میشود. از کسوک‌های مختلف میتوان روزنامه «نامه مردم» بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه



نیما پوشیچ

یک دست بی صداست

من چهره‌ام گرفته / من قایم نشسته به خشکی / با قایم نشسته به خشکی / فریاد می‌مزم: / دوامانله درغنایم انداخته است / دروازه پرستافت این ساحل خراب / وفاصله است آب / آمداری ای رفیقان بامن...

گل کرده است پوزخندشان اما / برمن / بر قایم که نه موژون / بر حرفهای درجه ره ورمم / برالتپایم ازحد بیرون...

در التپایم ازحد بیرون / فریاد برمی‌آید ازمن: / «دروقت مرگ که با مرگ / جز بیم نیستی وخطر نیست / هزالی وچالافت ووغهای هست نیست / سبواسست وجزبه پاس ضرر نیست»

با سپوشان / من سوو می‌خرم / از حرفهای کامتکن شان / من درد می‌برم / خون ازدورون دردم سرریز می‌کند / من آب را چگونگه کنم خشک؟

فریاد می‌مزم / من چهره‌ام گرفته / من قایم نشسته به خشکی / مقصود من زحرم معلوم برشماست: / یک دست برصدا است / من دست من کمک زدست شما می‌کند طلب...

فریاد من شکسته اگر درگلو، وگر / فریاد من رسا / من از برای راه خلاص خود وشما / فریاد می‌مزم / فریاد می‌مزم!

دینش

از کشورهای مختلف جهان / خواستار مسابقه با تیم ایران / شدند / فدراسیون فوتبال اندونزی / از یک تیم ایرانی برای شرکت / در بازیهای جام ماراهالی، که در / اردیبهشت ماه سال جاری برگزار / خواهد شد، دعوت بعمل آورده / است.

همچنین فدراسیون فوتبال / کره جنوبی از تیم ملی ایران / برای انجام دو مسابقه در کوره / دعوت بعمل آورده و هزینه این دو / مسابقه را نیز تقبل کرده است. / علاوه بر این دو دعوت، تیم / ملی فوتبال استرالیا و تیم فوتبال / رقابلمادرید (اسپانیا) نیز خواستار / مسابقه با ایران شده‌اند. / تیم فوتبال جوانان زیر ۲۱ / سال اتحاد شوروی نیز خواستار / برگزاری دو بازی در تهران / شده است.

بازی در امجدیه برگزار می‌شود

در روزهای پنج شنبه ۱۴ / جمعه ۱۵ فروردین ماه ۹ بازی / دوستانه در زمین شماره یک امجدیه / برگزار خواهد شد. / برنامه بازیها به شرح زیر / خواهد بود:

- ۵ شنبه ۱۴ فروردین / اکباتان - آسپادانا، ساعت ۱۳، / هباز، سرباز، ساعت ۱۵، استقلال / آدرات، ساعت ۱۷. / جمعه ۱۵ فروردین، کیان - / تهران جوان، ساعت ۱۳، بانک / ملی-دارائی ساعت ۱۵، پرسپولیس- / راه آهن، ساعت ۱۷.

هجوم به دفتر حزب توده ایران در اصفهان

بدنبال تظاهرات تحریک آمیز یک گروه ۵۰-۶۰ نفری در / روزیکشنبه ۱۰ فروردین ماه علیه حزب توده ایران، سازمان چریکهای / فدائی خلق ومجاهدین خلق در اصفهان، روز دوشنبه ۱۱ فروردین ماه / همان افراد مجدداً در محل روز قبل (خیابان چهارباغ، میدان انقلاب) / جمع شدند و این بار باهمان شمارهای تحریک آمیز سوی دفتر حزب / توده ایران راه افتادند. / این جریان به شهر بانی، به سپاه پاسداران واستانداری اطلاع / داده شد، ولی در این فاصله مهاجمین در خانه حزب را شکستند و / وارد خانه شدند و هرچه را که توانستند ازین بردند. / سرانجام بر اثر دخالت مؤثر استانداری، عده ای از مهاجمین / توسط کلانتری بازداشت میشوند. / از طرف مسئولین حزب در اصفهان با حضور نماینده شهر بانی / ونمایندگان دادستانی تنظیم وتسلیم دادستانی انقلاب میگردد. / ماهه این عمل ضد انقلابی وطبق نقشه را پشت محکوم / می‌کنیم واز مقامات مشول مصرا نه می‌طلبیم که اولاً مهاجمان را / بقویت وقاطانه مجازات کنند، ثانیاً تدابیر لازم امنیتی برای / پیشگیری از این اعمال ضد انقلابی اتخاذ کنند. / ما بهبه مقامات مشول کشور هشدار می‌دهیم که ضد انقلاب / تحریک وتوطئه وتهاجم علیه حزب توده ایران وسایر نیروهای انقلابی / را وارد مرحله تازه ای کرده است، که اگر جلوی آن بقویت وبشدت / گرفته نشود، عواقب خطرناکی برای جنبش انقلابی ایران وانقلاب / ایران در مجموع خواهد داشت. / تفصیل هجوم به دفتر حزب توده ایران در اصفهان را در شماره / آینده به اطلاع خوانندگان «نامه مردم» خواهیم رساند.

هجوم شاه پرستان سرمایه داران وابسته وعوامل باصطلاح حزب خلق مسلمان به مسجدالرضا در تبریز

صبح روز ۱۱ فروردین / ۱۳۵۹ عناصر ضد انقلابی به / مسجدالرضا در تبریز حمله کردند. / کمیته شهری تبریز سرفرودمکرات / آذربایجان سازمان حزب توده / ایران در آذربایجان، بدین / مناسبت اعلامیه ای بشوح زیر / انتشار داد:

مسجدالرضا، واقع در چهار / راه ۱۷ شهر تبریز- متحدین، بعد / از انقلاب در اختیار جوانان / مسلمان انقلابی وفادار به خط / ضد امپریالیستی و خلقی امام قرار / گرفته است. جوانان مسلمان / انقلابی مستقر در مسجد در طول / این مدت در مبارزات ضد / امپریالیستی و خلقی مردم قهرمان / تبریز و در مبارزه با حزب منحل / امریکائی «خلق مسلمان» شرکت / فعال داشته اند و درست به همین علت / همچون خاری در چشم مرتجعین، / شاه پرستان وسرمایه داران وابسته / محل وعمل امپریالیسم، بویژه / امپریالیسم امریکا، فرودخته اند. / از مدت ها قبل روزی نبوده است / که توطئه ای از طرف بعضی عوامل / علیه این جوانان انقلابی مسلمان / صورت نگرفته باشد.

توطئه گران ومهاجمین به / مسجدالرضا اساساً ساهدتند از دلایان / خود فروخته، رباخواران، شهور، / شاه پرستان دزد وهمچنین تجار / وابسته به طرفداران ومدافین / خاندان مغفوری پهلوی، که از جانب / اکثریت مردم تبریز شناخته شده اند

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران وزحمتکشان / هوادار حزب توده ایران که / مایلند در حزب ثبت نام کنند، / ولی در ایام هفته فرصت ایتکار / را ندارند، می‌توانند روزهای / جمعه از ساعت ۱۱ تا ۹ صبح و / از ۴ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه / کمیته مرکزی حزب توده

رائول کاسترو: سیاست سلطه طلبانه امریکا صلح و امنیت را در معرض خطر قرار میدهد

رائول کاسترو، یکی از رهبران / کوبای انقلابی اعلام کرد که / امپریالیسم امریکا به بهانه روداد / های افغانستان اوضاع جهانی را / متشنج میکند. / وی تاکید کرد که سیاست سلطه / طلبانه امریکا صلح و امنیت را در / معرض خطر قرار میدهد. / رائول کاسترو گفت که / امپریالیسم امریکا نمیتواند درک / کند که زمانیکه میتواند از / طریق نظامی و اقتصادی کشور ما / را وادار به اطاعت از خود کند، / سپری شده است. / کاسترو افزود که کارت تلاتی / دارد با تبلیغات و هیاهوی ضد - / کمونیستی توجه مردم امریکا را / از مشکلات داخلی منحرف سازد.

تشکیل جبهه ای از مخالفان رژیم خیانتکار سادات در مصر

خاله محی الدین، یکی از / رهبران مخالف رژیم سادات در / مصر، موافقت نامه خائنه کمپ - / دیوید را شدیداً محکوم کرد و / گفت که هدف این موافقت نامه / توطئه علیه خلقهای عرب است. / محی الدین اضافه کرد که این / موافقت نامه نتوانسته است مسئله / اصلی، یعنی مسئله فلسطین را / بر طبق منافع خلق فلسطین حل / کند. / از سوی دیگر کشورهای / سوریه، الجزایر، یمن دمکراتیک، / لیبی وسازمان آزادی بخش فلسطین / حمایت خود را از جبهه متحده / مصر، که به رهبری ژنرال شاذلی / و با شرکت گروههای مذهبی و / غیرمذهبی و سیاسی مخالف رژیم / مصر تشکیل شده است، اعلام / کردند. هدف این جبهه سرنگون / کردن رژیم سادات و پایان دادن / به توافقهایی خائنه کمپ دیوید / است.

یازدهمین کنگره حزب کمونیست سری لانکا توطئه های امپریالیسم آمریکا و چین را محکوم کرد

یازدهمین کنگره حزب / کمونیست سری لانکا، در پایان / اجلاس خود، طی قطعنامه ای اعلام / کرد که در صورت تلاتی های مشترک / همه خلقها میتوان توطئه های / امپریالیسم را درهم شکست. / در قطعنامه اضافه شده است که / امپریالیسم امریکا - سیاست / نظامیگری خود را تشدید کرده / است. / کنگره حزب کمونیست / سری لانکا خواستار برچیده شدن / پایگاههای نظامی امپریالیستی در / اقیانوس هند گردید و یاد آورد که / داروستانه حاکم بر چین نیز / سیاست مشابه امریکایی گرفته اند / وتفاوتی میان سیاست دو کشور / وجود ندارد.

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

- بلژیک / 51, Av. de Broqueville / 1200 Bruxelles / انگلستان / P.O. Box 141 / London, E 70 PE / فرانسه / Rigal Albert / BP 75160 / 75001 Paris / France

شوخی نیست...

شاه خائن هم فرمان مسلمانان گرفت!

شاه خائن هنگام نزول اجلا ل (۱) به مصر از متقین مسلمانان / جهان، یعنی انور سادات (۱) فرمان مسلمانان گرفت! متن فرمان / سادات چنین است: / «من شاه راهبوتوان یک مسلمان واقعی می‌شناسم، ولی نه آن / مسلمانانی که آنان (دولت ایران) برای خود ساخته اند! آنچه آیت الله / خینی بهورد اجرا گذارده است و تبلیغ میکند اسلام نیست». / ظاهراً انور سادات که بعد از عمری خون دل خوردن بحال اسلام / بدرجه اجتهاد رسیده است، اکنون «مرجع تقلید» تمامی آنهایی / است که به اسلام امریکایی گرویده اند و قصد دارند به همه / دیکتاتورهای جهان فرمان مسلمانان بدهند، تادست در دست / هم افغانستان و ایران را نجات بدهند. / با حضور پینوشه در منطقه، باید منتظر بود که سادات بعد از / شاه مخلوع فرمان مسلمانان را به جلا د خلق شیلی هم بدهد.

با وفایی سادات به امپریالیسم باز هم تأیید شد

بعد از تسلیم فرمان مسلمانان توسط سادات خائن به شاه / مخلوع، اربابها باردیگر با وفایی سادات راتایید کردند و برای / ناز کردن اوردستی به سرودش کشیدند. روزنامه گاردین، چاپ / لندن، در مقاله ای تحت عنوان سادات «خوب و باوفا» از اوستایش / کرد ونوشت: باید بپذیرد احترام به سادات نگاه کرد. / روزنامه دیلی اکسپرس هم در مقاله مشابهی، باشکرفی توام / با احترام فوق العاده، اقدام رئیس جمهور مصر را در دعوت از شاه / مخلوع یکنوع شہامت وشجاعت وعواطف انسان دوستی و وفاداری / توصیف کرد و او را بعنوان یکی از مردان بزرگ (۱) قلداده کرد.

کدام رهبر «مبارزان» راست می‌گوید؟!

خبرگزاری آسوشیتد پرس، از قول یکی از رهبران «مبارزان» / افغانستان (که طبق معمول ناشناس است) خبری را، که در ساعت / ۱۴ روز پنجشنبه هفتم فروردین از رادیو ایران هم پخش شد، / مخابره کرده است.

«یکی از رهبران مبارزان افغانستان در حالیکه به تفنگ خود، / که متعلق به جنگ جهانی اول بود اشاره میکرد، گفت: ما یا / این سلاح در مقابل شوروی نمیتوانیم ایستادگی کنیم، زیرا آنها / باهلیکوپترهای مجهز به توپ وسلسل مارا مورد حمله قرار میدهند». / از طرف دیگر «گلوبو دین حکمت یار، یعنی پالیزان افغانستان / هم، که از رهبران «مبارزان» افغانستان است، در مساجهای در / تهران گفته است: / «ما امروز با وسایل وسلاح سنگین وخفیف از قبیل توپ، تانک، / زرهپوش، تانک هوا (شدهوایی)، ضد تانک وتفنگ های گوناگون / مجهز هستیم» (راه حق- ارکان حزب اسلامی افغانستان شماره ۱۱) / راستی، کدام رهبر «مبارزان» راست میگوید؟! /

امپریالیسم، یعنی کیسینجر و راکفلر

آقای قلب زاده بعد از توطئه رفتن شاه مخلوع به قاهره گفت: / «متاسفانه کیسینجر و راکفلر با تلاشهای مذبحخانه خود این / مرد چنایتکار را در آخرین لحظات از اناناما فراری دادند». / یازهم راکفلر و کیسینجر امریکارا بدنام کردند اصلا / سبب اینکه مردم دنیا با امپریالیسم امریکا در جنگند، این دونفرند. / وگرنه امپریالیسم امریکا بدنیست، حتی دوست داشتی است. / اگر این دونفر نباشند، نه تنها شاه خائن به ایران بر میگردد، / بلکه امپریالیسم امریکا هم نابود میشود!

انقلابیون پولیساریو «مسلمان» نیستند

حکومت یکن، که در دفاع از «مسلمانان» افغانستان کوس / رقابت را از امریکا و مصر برودده است، مثل بقیه شرکا دمخروس / را لو داد. / «چن موشوا» نایب نخست وزیر چین، که از مغرب دیدن / میکند، گفت: / «مغرب در صحرای غربی بلندهای خرابکار روپرو است و / جنگ باجبهه پولیساریو به منزله نبرد با خرابکاری در سراسر / افریقا است».

باین ترتیب معلوم شد که اولاً زمیندگان صحرا «مسلمان» / نیستند، چون اگر بودند، چین، این مدافع «مبارزان» افغانستان، / حتماً از آنها هم دفاع میکرد. ثانیاً «ملک حسن»، این یار غار شاه / مخلوع و سادات خائن مسلمان است، چون با خرابکاران صحرا / می‌جنگد. / همینطور که جلو بروید، باین نتیجه میرسید که تنها / «مبارزان» افغانستان هستند که امپریالیسم و یارانش آنها را به / مسلمان قبول دارند و پس، البته با اضافه: شاه مخلوع، ضیاع الحق، / سادات، ملک حسن، ملک حسین، سلطان قابوس، ملک خالد و...

مدارک دخالت کاتر در حوادث تبریز

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز در اشاره به مسایل پشت / برده حوادث تبریز، در دادگاه ۳ روحانی سرشناس تبریز که متهم / هستند در جریانات و اغتشاشات اخیر این شهر دست داشته اند، / گفت: / «طبق مدارک موجود، کاتر در این حوادث ۳ میلیارد دلار / پول خرج کرد، ولی هشیاری و آگاهی مردم تمام این نقشه هارانش / بر آب کرد و دشمن بزرگی بر قلب کاتر وارد نمود». / این افشاکاری رئیس دادگاه انقلاب اسلامی بلافاصله این / سؤال رامطرح میکند که: چرا این مدارک منتشر نشده اند تا / مردم ایران دریابند حوادث خونین کشور را امپریالیسم امریکا / تدارک نبریند و بدرستی دریابند که «کومه ها»، «حزب خلق / مسلمان» ها و دیگر انقلابی ناها از کدام سرچشمه آب میخورند.